

مقاله علمی

تغییرات مناسک عزاداری ماه محرم در بین افغانستانی‌های مقیم

شهر مشهد در گذر زمان

محمد محسن ظریف پویا^۱، فاطمه صدر نبوی^۲

(تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۲۸، تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۴/۱۸)

چکیده

با توجه به رویکردهای عمده به مطالعات مناسک، یکی از کارکردهای مهم آنها، تولید و بازتولید جامعه و فرهنگ برای افراد جامعه است. با توجه به موضوعاتی از جمله در اقلیت بودن جامعه مهاجران افغانستانی مقیم مشهد، حاشیه‌نشینی آنها و بی‌توجهی جامعه میزبان به آنها و نیز لزوم ایجاد شبکه اجتماعی برای بازیابی هویت و تأثیر برگزاری مناسک عزاداری بر تولید و پایداری مقوله هویت، اهمیت بررسی شکل‌گیری و تغییرات مناسک عزاداری مهاجران افغانستانی به عنوان ابزاری برای ثبات این گروه از افراد در جامعه میزبان قوت می‌یابد. بدین ترتیب هدف اصلی پژوهش حاضر، مطالعه کیفی تغییرات مناسک عزاداری ماه محرم در بین افغانستانی‌های مقیم مشهد و نسبت آن با فرهنگ جامعه جدید است. در این مطالعه با ۱۲ نفر از مهاجران مذکور، که با نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند، مصاحبه عمیق انجام شده است. همچنین نگارندگان برای تهیه عکس، فیلم و گزارش، حضوری مستمر در مجالس عزاداری ماه محرم مهاجران افغانستانی داشته‌اند. بر اساس یافته‌های پژوهش، تغییرات عمده‌ای از جمله در تعداد افراد شرکت‌کننده در مجالس، نوع افراد شرکت‌کننده در مجالس (حضور اهل سنت)، مقدار و نوع نذری مجالس، نوع پوشش عزاداران، تعداد مراسم، سبک برگزاری هیئت، سبک‌های سخنرانی و مداحی، مدل عزاداری، معنویت حاکم بر مجالس، مکان برگزاری مجالس عزاداری، و نیز نوع نگاه به مخاطب و نگرش سیاسی عزاداران رخ داده است. به نظر می‌رسد عواملی مانند مدرن شدن فضای زندگی، پراکندگی مکان سکونت، تغییر وضعیت اقتصادی و چیرگی فرهنگی جامعه میزبان از علل عمده این تغییرات باشد.

کلیدواژه‌ها: مناسک عزاداری، مهاجران افغانستانی، محرم.

۱ کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد m.zarifpooya@gmail.com

۲ هیئت علمی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد (نویسنده مسئول)
sadrnabavi@mshdiau.ac.ir

مقدمه

مهاجرت افغانستانی‌ها از بزرگ‌ترین حرکات مهاجرتی تاریخ جهان مدرن در سه دهه اخیر بوده که بیش از ۹۶ درصد از این مهاجرت‌ها به سوی ایران و پاکستان بوده است (Abbasi-Shavazi & Sadeghi, 2015). به علاوه، مهاجرت افغانستانی‌ها به ایران همواره به منزله یکی از راهبردهای^۱ اقتصادی و فرهنگی آنها با هدف یافتن کار فصلی یا انجام زیارت است و قدمتی دیرینه دارد (Adelkhah, F. & Olszewska, 2007). افراد زیادی از مردم کشور افغانستان سالانه به دلایلی از جمله نزدیکی راه، مسائل عقیدتی، دینی و اقتصادی (Abbasi-Shavazi & Glazebrook, 2006) و فرار از جنگ و ناامنی (Rostami-Povey, 2007) به ایران مهاجرت می‌کنند؛ به طوری که در چهل سال اخیر با موج‌های مهاجرتی به ایران روبرو بوده‌ایم (نجف‌زاده، ۱۳۹۲). در این بین، شهر مشهد به دلایل گوناگون که یکی از مهم‌ترین آنها وجود حرم امام هشتم شیعیان است (Glazebrook & Abbasi-Shavazi, 2007) جزو اولین گزینه‌ها برای انتخاب مهاجران شیعه است.

اکثر هزاره‌ها شیعه هستند و در قلب افغانستان و در احاطه پیروان مذهب تسنن زندگی می‌کنند. به نظر موسوی، گرویدن هزاره‌ها به مذهب شیعه در دوره مشخصی اتفاق نیفتاده و نمی‌توان گفت هزاره‌ها در زمان خاصی از تاریخ به این مذهب رو آورده باشند (موسوی، ۱۳۷۹). در حالی که اغلب هزاره‌ها شیعه هستند، بعضی از آنان، مانند هزاره‌های شیخ علی، بادغیس، و فیروزکوهی، مذهب تسنن دارند. خود مذهب شیعه به فرقه‌های کوچکتر تقسیم شده است که عبارتند از: دوازده امامی، اسماعیلیه و زیدیه (همان).

حادثه کربلا در ذهن و خاطره مردم خراسان -که افغانستان امروزی را نیز شامل می‌شد- همانند شام و عراق تأثیرگذار بود و خراسانیان، به ویژه پس از شهادت یحیی بن زید (رضوی اردکانی، ۱۳۶۱، به نقل از جوادی و موسوی، ۱۳۹۳) یاد و خاطره این رویداد بزرگ را زنده نگه داشتند. در حال حاضر نیز آرامگاه امامزاده یحیی بن زید در مرکز ولایت سرپل در شمال افغانستان، زیارتگاه خاص و عام است.

در دوره اول می‌توان از مراحل آغازین عزاداری‌ها سخن گفت که در مناطقی مانند سیستان، بلخ و جوزجان وجود داشت. این عزاداری‌ها به صورت غیررسمی بوده و تا حدود قرن هشتم و

1 Strategy

دوره تیموریان ادامه داشته است. در عصر غزنویان، سخت‌گیری‌هایی بر شیعیان اعمال شد و مراسم آنها به محافل خصوصی راه یافت (ناصری داودی، ۱۳۷۸، به نقل از جوادی و موسوی، ۱۳۹۳) اما در همین دوره، به‌ویژه پس از سلطان محمود، سنایی غزنوی در اشعار خود سروده‌های جانسوزی را درباره محرم، عاشورا و شهادت امام حسین (ع) و یارانش سرآید.

عصر تیموریان خراسان، به ویژه از دوره شاهرخ را می‌توان دوره دوم دانست. به طور کلی، در این زمان شیعیان در پیروی از عقاید و انجام شعائر خود آزادی عمل داشتند. در این دوره، عزاداری‌ها رسمی‌تر و از فراگیری بیشتری برخوردار شد. عزاداری‌ها به طور مشترک برگزار می‌شد و شیعه و سنی با هم عزاداری می‌کردند. با محبتی که تیموریان به اهل بیت پیامبر (ص) داشتند و احترام و منزلتی که برای علما، عرفا و سادات قائل بودند، عزاداری امام حسین (ع) که از سال‌ها قبل در میان اهل سنت متداول شده بود، به تدریج گسترش یافت و حتی به درون دربار تیموریان نیز راه یافت (سمرقندی، ۱۳۶۰، به نقل از جوادی و موسوی، ۱۳۹۳).

کتاب مهم **روضه الشهداء** که شهرت فراوانی در افغانستان و آسیای میانه داشته است (آقابزرگ، ۱۴۰۳ ق.) در همین دوره تألیف شد. این شواهد بیانگر این حقیقت هستند که در دوره تیموریان، موفقیت شیعیان به گونه‌ای بود که می‌توانستند عقاید خود را آزادانه بیان کنند و به اقامه عزاداری برای امام حسین (ع) و شهادی کربلا بپردازند.

دوره سوم عزاداری‌ها، پس از تیموریان است که تا اوایل دوره عبدالرحمن خان را شامل می‌شود. خراسان پس از سقوط تیموریان عملاً به سه بخش تقسیم شد. قسمت شمال آن مدتی در دست شیبانیان افتاد، بخش شرق آن به تدریج تحت تصرف ظهیرالدین بابر میراز از نوادگان تیمور و منطقه غرب آن نیز در اختیار صفویان قرار گرفت (مؤسسه شیعه‌شناسی، ۱۳۸۴).

اسناد تاریخی بیانگر آن است که در شهرهای عمدتاً سنی‌نشین خراسان و نواحی مختلف آن و با همه فشارهای توأم با تعصب و ستم که شیبانیان بر ضد فرهنگ اهل بیت از جمله عزاداری ایجاد کردند، مردم مانند گذشته به اهل بیت پیامبر (ص) وفادار ماندند و در ابعاد ادبی، تاریخی و آیینی، عاشورا و عزای حسینی را زنده نگه داشتند (همان).

دوره چهارم عزاداری، از برخورد خشن و وحشیانه عبدالرحمن خان (۱۸۸۰-۱۹۰۱) با شیعیان و مردم مناطق هزاره‌جات (فرهنگ، ۱۳۸۰) آغاز شد و تا زمان صدارت شاه محمود (۱۹۴۷ م.)، عمو و صدراعظم ظاهرشاه طول کشید. در سال ۱۸۹۳ م. همزمان با کشتار مردم

هزاره شیعه، حکم تکفیر شیعیان به درخواست این امیر صادر شد. این امر موجب شد که شرایط بر شیعیان در سرتاسر کشور سخت شود. علاوه بر غارت و مصادره اموال، قتل، زندان و تبعید بزرگان، سرشناسان، و روحانیون شیعه، از برگزاری هر گونه عزاداری برای ائمه به طور جدی منع شدند و تکیه‌خانه‌ها و حسینیه‌های شیعیان در اختیار علما و طلاب اهل سنت قرار گرفت (ریاضی هروی، ۱۳۶۹، به نقل از جوادی و موسوی، ۱۳۹۳).

دوره پنجم، پس از اتمام صدارت هاشم خان - که با پایان جنگ دوم جهانی همراه است - آغاز شد که برخی زمینه‌های آزادی اجتماعی سیاسی در کشور به وجود آمد. در همین دوره، علماء و روحانیون شیعه با رویکردی مسالمت‌آمیز برای بهبود وضعیت شیعیان تلاش کردند. آغازگر این تلاش‌ها، آیت‌الله حجت کابلی بود که با استفاده از شیوه‌های ملایم، فضای مناسبی را برای انجام آشکار شعایر مذهبی شیعیان فراهم کرد. وی پس از مدت‌ها ممنوعیت برگزاری عزاداری‌ها و انجام شعایر مذهبی و برخوردهای قهری دولت، توانست با تأسیس تکیه‌خانه عمومی در محله شیعه‌نشین چنداوول کابل، به برگزاری مراسم عزاداری ماه محرم اقدام کند. با این اقدام، به تدریج حسینیه‌ها و تکیه‌خانه‌های متعددی در کابل فعال شدند و مراسم عاشورای حسینی با شکوه و ابهت بیشتری برگزار گردید؛ به گونه‌ای که اعضای کابینه دولت و حتی شاه در مراسم عزاداری دهه محرم در تکیه‌خانه‌ها و حسینیه‌های شیعیان حضور می‌یافتند (جوادی و موسوی، ۱۳۹۳).

از دهه چهل خورشیدی به بعد، فضای سیاسی کشور افغانستان بازتر شد و احزاب سیاسی امکان فعالیت بیشتری یافتند. در این دوره که به دهه دموکراسی معروف است، مراسم سوگواری و عزاداری‌های ماه محرم، هم رونق و گسترش بیشتری یافت و هم رنگ و بوی سیاسی و مبارزاتی گرفت. به طوری که برخی از تکیه‌خانه‌ها، محل و کانون فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی جوانان مبارز و تحصیل‌کرده شیعه شد (همان).

افغانستانی‌ها طی دوره‌ها و مراحل در طول تاریخ به ایران مهاجرت کرده‌اند که در ادامه توضیح داده می‌شود:

تیموری‌ها: یکی از مهم‌ترین طوایف چهار اویماق، تیموری‌ها بودند. این ایل در قرن دوازدهم قمری از افغانستان به ایران کوچ کرد. یوسف خان تیموری (رئیس ایل) در سال ۱۲۶۷ ق. (۱۲۵۹ ش.) مقیم مشهد بوده است. منزل علی مردان خان تیموری در زمان اولین آمارگیری

مشهد در سال ۱۲۸۹ در محله اعیان‌نشین سراب بوده است (نجف‌زاده، ۱۳۹۲). با اینکه همه تیموری‌ها، سنی حنفی هستند، ولی مذهب برخی بزرگان آنها شیعه بوده است (همان). در دهه‌های اخیر تیموری‌ها بیشتر در شهرک شهید رجایی، شهید باهنر و تاجرآباد و برخی نیز در شهرک شهید رضوی، بازه شیخ و مهدی‌آباد زندگی می‌کنند و روستای سالارآباد در شرق مشهد نیز محل اصلی تمرکز آنهاست (همان).

هزاره‌ها: در پی بازگشت حسام‌السلطنه (حاکم خراسان) بسیاری از ایلات و عشایر منطقه از جمله هزاره‌ها رهسپار ایران شدند. مهاجرت هزاره‌ها با مخالفت افغانان و بریتانیایی‌ها مواجه شد. باباخان یکی از بزرگان هزاره‌ها بود که پس از فتح هرات به ایران مهاجرت کرد و در کاریز ساکن شد (همان).

هراتی‌ها: آنها به علت پیوستگی و همبستگی فرهنگی، نزدیکی جغرافیایی و روابط تجاری گسترده، منسجم‌ترین گروه و بیشترین تعداد مهاجر را داشتند. همچنین از دوره حکومت امیر عبدالرحمان خان، اختلافات مذهبی، مشکلات شیعیان هرات را افزایش داد و باعث مهاجرت گسترده آنها شد (همان). در دوره مشروطه تعداد هراتیان مقیم مشهد زیاد بود و آنها انجمن مهاجران هرات را تشکیل دادند.

قندهاری‌ها: تعداد پراکنده قندهاری‌ها را باید شیعیان و ساداتی دانست که برای زیارت و تجارت به مشهد آمده و ساکن شده‌اند. این گروه دارای وقف‌های متعدد هستند (همان).

کابلی‌ها: آنها مهاجران سیاسی، تجار، و شاغلان (پوستین‌دوز) ماهری هستند که گویا بیشتر در محله نوغان ساکن بوده‌اند. کوچه افغانان از آثار شناخته‌شده آنها در مشهد است که بر اساس گزارش سال ۱۳۱۶ قمری در محله عیدگاه واقع بوده است (همان).

بربری‌ها: سیاست دینی امیر عبدالرحمان خان و کشتار شیعیان، منجر به مهاجرت گسترده شیعیان از هزاره‌جات گردید که در مشهد به آنها بربری گفته می‌شد. ایوانف می‌نویسد در ادبیات اروپایی، بربری‌ها را هزاره می‌نامند. تا زمانی که سیاست افغانستان، آزار شیعیان بود، مهاجرت بربری‌ها نیز در حال افزایش بود. کشاورزان بربری بیشتر از ایرانیان زحمت می‌کشیدند و به دستمزد کمتر قانع بودند (همان).

مرحله دوم مهاجرت بعد از کودتای سردار محمد داوود علیه ظاهرشاه در ۱۳۵۲ خورشیدی و کودتای نورمحمد ترکی، رهبر حزب خلق علیه داوود در ۱۳۵۷ رخ داد. به دلیل نابسامانی

سیاسی، رکود و توقف رشد اقتصادی در افغانستان، مهاجران در ایران ماندگار شدند. آنها عمدتاً فارسی‌زبان بودند تا پشتون. سنی‌ها در سیستان و جنوب خراسان و شیعیان در شمال خراسان، تهران و قم ساکن شدند (همان). نتیجه حضور این گروه از مهاجران به لحاظ شغلی در مشهد جالب توجه بوده است. به طوری که خروج سرمایه آنها می‌توانست باعث رکود بازار مشهد شود (پاپلی، ۱۳۶۸).

مرحله سوم مهاجرت افغان‌ها در چهار دهه اخیر به دلیل تغییر و تحولات خارجی در سطح وسیع صورت گرفت. بیشتر آنها در منطقه گلشهر ساکن شده‌اند. اکنون مهاجران مرحله اول دیگر به عنوان مهاجر محسوب نمی‌شوند و آثار آنها فقط از جنبه تاریخی قابل بررسی است. ولی مهاجران مرحله سوم هنوز مهاجر تلقی می‌شوند و بحث بازگشت آنها یکی از مسائل مهم در روابط خارجه ایران و افغانستان است (نجف‌زاده، ۱۳۹۲).

مهاجران افغانستانی که غالباً شیعه و از قوم هزاره هستند (یحیایی و کیا، ۱۳۸۸؛ یوسفی و همکاران، ۱۳۹۲) از دیرباز در موطن اصلی خود به عزاداری امام حسین (ع) می‌پرداختند. از طرف دیگر آیین‌های عزاداری شیعیان اساساً آیینی مردمی و توده‌ای است و متناسب با فرهنگ و باورهای دین‌داران در طول تاریخ شکل گرفته است (مظاهری، ۱۳۹۰). شیعیان افغانستان نیز از این امر مستثنا نیستند و نوع و سبک خاص عزاداری آنها در طی زمان شکل بومی پیدا کرده است. هزاره‌ها از دوران قدیم سنت عزاداری را در دهه نخست ماه محرم برگزار می‌کردند و مردم این قوم به صورت جانسوز به سینه‌زنی می‌پرداختند (مؤسسه فرهنگی شیعه‌شناسی، ۱۳۸۴). رسم عزاداری از نسلی به نسل بعد رسیده است و تا امروز در بین آنها رواج دارد، اما با ورود مهاجران افغانستانی به جامعه جدید (میزبان) و با توجه به اینکه آنها در جامعه جدید پذیرش شده و به قسمتی از آن جامعه تبدیل شده‌اند، مناسک عزاداری آنها تغییرات دوگانه‌ای یافته است.

رابطه جامعه میزبان با مهاجران افغانستانی به مثابه اقلیتی بیگانه، همواره تحت تأثیر دو واقعیت بوده است: از یک سو، تحت تأثیر آن بوده که جامعه میزبان آنها را به عنوان ایرانی نپذیرفته و از سوی دیگر، تحت تأثیر ویژگی‌های آنها به مثابه «انسان‌هایی حاشیه‌ای» به تعبیر رابرت پارک^۱ بوده است. این تصور غالب در جامعه میزبان که مهاجران افغان، عامل بسیاری

۱ رابرت پارک که اولین مطالعات در زمینه مهاجرت را انجام داده است، مهاجران را با تعبیر «انسان حاشیه‌ای» توصیف می‌کند. منظور از این تعبیر، فردی است که هنوز از تعلقات جامعه گذشته خود بریده نشده و به‌طور

از مسائل اجتماعی ایران نظیر بیکاری و بزهکاری هستند، و تحقیر و تبعیض‌هایی که در اغلب جوامع میزبان برای اقلیت‌های اجتماعی و به‌ویژه مهاجران به کار می‌رود، موجب نوعی تضاد در مهاجران افغانستانی است. البته در عین حال آنها به اقتضای اشتراک‌های دیرینه و احساس فشار اجتماعی از سوی جامعه ایرانی، می‌کوشند با جامعه ایرانی هماهنگ شوند. از این رو، اکنون مهاجران به لحاظ ادغام، در حالتی بین تضاد و همسازی قرار دارند (جمشیدیها و عنبری، ۱۳۸۳).

با توجه به مهاجرت افغانستانی‌ها به جامعه جدید و تحولات عمده و سریع در طی چهل سال اخیر در ایران، در پژوهش حاضر در پی کشف و بررسی تغییرات مناسک عزاداری مهاجران افغان پس از مهاجرت آنها به ایران هستیم. برای دستیابی به این هدف و به دلیل آشنایی هر چه بیشتر با فضای پژوهش و بررسی دقیق موضوع مورد بحث، قبل از شروع پژوهش با شش نفر از صاحب‌نظران و افرادی که با فضای فرهنگی و اجتماعی هیئت‌های عزاداری افغانستانی آشنا بودند، مصاحبه اکتشافی کردیم. سؤالات اصلی پژوهش حاضر عبارتند از: وضعیت هیئت‌های افغانستانی در داخل کشور افغانستان چگونه بوده است؟ مناسک اصلی هیئت‌ها در افغانستان چگونه بوده است؟ هیئت‌های تأسیس شده در ایران، چه زمانی و در چه شرایطی تشکیل شده‌اند؟ در طی سال‌های زندگی در ایران چه تغییرات عمده‌ای در مناسک هیئت‌های مهاجران به وجود آمده است و این تغییرات چه نسبتی با جامعه ایران دارد؟

پیشینه پژوهش

از آنجا که موضوع این پژوهش در دو حوزه جامعه‌شناختی قرار می‌گیرد، به بررسی پیشینه در این دو زمینه می‌پردازیم. در جداول (۱) و (۲) به ترتیب ابتدا مطالعات مربوط به حوزه مهاجران افغانستانی را بررسی می‌کنیم. سپس پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه مناسک عزاداری ایرانی‌ها را به اختصار ذکر می‌کنیم.

کامل نیز عضو جامعه جدید نشده است. بنابراین در حاشیه جامعه و در حسی از تعلیق بین جامعه مبدأ و مقصد گرفتار است.

جدول (۱): پژوهش‌های انجام‌شده درباره مهاجران افغانستانی

محققان	عنوان پژوهش	جنبه‌های بررسی شده
اخلاقی و همکاران (۱۳۹۵) میرزائی (۱۳۹۵) نوغانی و اخلاقی (۱۳۹۳) محمدی (۱۳۹۶) رحیمی (۱۳۹۶) موسوی (۱۳۹۱) قاسمی (۱۳۹۵) صادقی (۱۳۹۰) الزوسکا (۲۰۰۷) بهار و احمدی (۲۰۱۲) مونستی ^۱ (۲۰۰۷) عادلخواه و الزوسکا (۲۰۰۷)	احساسات عاطفی به جامعه میزبان فرهنگ‌پذیری و بهداشت روانی مهاجران اعتماد اجتماعی نخبگان مهاجر آسیب‌شناسی فرهنگی و اجتماعی کارگران مهاجر پیامدهای فرهنگی مهاجرت دلایل اظهار نشدن هویت مهاجران مناسبات فرهنگ دینی مهاجران سازگاری اجتماعی نسل دوم افغان‌ها شعر و هویت در بین جوانان مهاجر ساکن ایران فرهنگ‌پذیری و الگوی اوقات فراغت مهاجران افغان مهاجرت به مثابه مناسک گذار: ساخت بزرگسالی و مردانگی جوانان افغان	فرهنگی - اجتماعی
زاهدی و همکاران (۱۳۹۴) سجادپور و جمالی سوسفی (۱۳۹۵)	تأثیر سرمایه اجتماعی بر کیفیت زندگی زنان متأهل مهاجر زنان افغان مهاجر و چالش بازگشت به وطن	زنان و خانواده
جمشیدیها و علی‌بابائی (۱۳۸۱) کریمی موغاری (۱۳۸۲) زرقانی و همکاران (۱۳۹۵)	عوامل مؤثر بر بازگشت مهاجران تأثیر مهاجران بر سطح دستمزد و اشتغال توزیع فضایی مهاجران	اقتصادی

جمشیدیها و علی‌بابائی (۱۳۸۱) در مطالعه‌شان به بیان ویژگی‌های مردم‌شناختی و موانع بازگشت مهاجران پرداختند. جمشیدیها و عنبری (۱۳۸۳) نیز با مبنا قرار دادن پژوهش جمشیدیها و علی‌بابائی، عدم بازگشت مهاجران افغانستانی به کشورشان را تابعی از تعلق به ارزش‌ها و هنجارهای جامعه مبدأ و مقصد دانستند. در مطالعه‌ای دیگر، نوغانی و اخلاقی (۱۳۹۳) به بررسی مقوله اعتماد در بین نخبگان مهاجر و در پژوهشی دیگر، اخلاقی و همکاران (۱۳۹۵) به مطالعه موضوع احساسات مهاجران افغانستانی پرداختند. در پژوهش‌های خارجی نیز بیشتر مسائل هویتی (Olszewska, 2007) و جنسیتی (Monsutti, 2007) بررسی شده است.

1 Monsutti

جدول (۲): پژوهش‌های انجام‌شده درباره مناسک عزاداری ایرانی‌ها

محققان	عنوان پژوهش	جنبه‌های بررسی شده
نیکخواه و دستوری (۱۳۹۱) منتظرالقائم و کشاورز (۱۳۹۶) مهری و کاهیرده (۱۳۸۸)	تحولات فرهنگی در مناسک عزاداری زنانه تغییرات اجتماعی مناسک عاشورا تحول نقش واعظ و مداح	تغییرات
خانی و یکه‌فلاح (۱۳۹۲) قبادی و علیپور (۱۳۹۱) فیاض و رحمانی (۱۳۸۵) فیاض و رحمانی (۱۳۸۶)	اثربخشی حضور در مراسم محرم تحلیل کارکردی مراسم و مناسک دینی مناسک عزاداری و گفتمان کربلا در دین‌ورزی اقشار فرودست مناسک عزاداری و وجدان جمعی در تشیع ایرانی	کارکردها
محمدپور و شاهی‌زاده (۱۳۹۰) مظاهری (۱۳۹۰) جمشیدیها و قبادی (۱۳۸۶)	مطالعه مردم‌شناختی مراسم عاشورا سوگواری شیعیان از آغاز تا پیش از پیروزی انقلاب تحلیل جامعه‌شناختی مراسم و مناسک دینی	تحلیل بنیادی

با توجه به اهمیت موضوع مناسک عزاداری در جهان تشیع، تاکنون پژوهش‌های بسیاری درباره این موضوع انجام شده است. مظاهری (۱۳۹۰) در پژوهش خود از دوران آل بویه، که به نظر او دوران رسمیت یافتن مناسک عزاداری شیعی است، شروع کرده و به تفصیل به بررسی سیر تحول این مناسک تا دوران پیش از انقلاب پرداخته است. او به طور مفصل به بررسی وضعیت هیئت‌های ایرانی در دوره پس از انقلاب پرداخته و با موشکافی دقیق، توصیفی تقریباً کامل و کم‌نظیر از مسیر شکل یافتن این جلسات بیان کرده است. فیاض و رحمانی (۱۳۸۵) نیز در مطالعه‌ای به بررسی وضعیت هیئت‌هایی پرداخته‌اند که در نیمه دوم دهه ۱۳۷۰ شکل گرفته‌اند و به عنوان هیئت‌های «سبک جدید» شناخته می‌شوند. آنها نتیجه گرفته‌اند که گفتمان آن روز کربلا و هیئت‌های عزاداری در سبک جدید آن، بخش اصلی و کانونی فعالیت‌های دینی مردم و به‌ویژه جوانان فرودست شهری را در فضاهای شهری شکل می‌دهد. فیاض و رحمانی (۱۳۸۶) در پژوهشی دیگر به بررسی وجدان جمعی دینی و سازوکار تولید و بازتولید آن پرداخته‌اند. در مطالعه آنها بر اساس رویکرد دورکیمی، مناسک محرم مهم‌ترین و اصلی‌ترین مناسک دینی است که وجدان جمعی و آگاهی جمعی شیعیان ایرانی در آن تولید و بازتولید می‌شود.

با وجود اهمیت موضوع مناسک دینی در بین شیعیان و به ویژه افغانستانی‌های ساکن ایران که در اقلیت هستند، تاکنون در پژوهش‌ها به طور جدی به این موضوع توجه نشده است.

جهت‌گیری نظری پژوهش

جامعه‌شناسان دین که به دنبال بررسی مناسبات دین و جامعه، شناخت اندیشه‌ها، سازمان‌ها، نهادها، مناسک و شعایر مذهبی هستند، علاوه بر توجه به تأثیرگذاری دین بر نظام اجتماعی و کنش‌های فردی و اجتماعی، به نقش و کارکردهای اجتماعی باورداشت‌ها و عملکردهای دینی نیز می‌پردازند (جمشیدیها و قبادی، ۱۳۸۶). بدون تردید مناسک مذهبی یکی از پیچیده‌ترین و متنوع‌ترین صورت‌های رفتار بشری‌اند و جنبه‌های بسیار متفاوتی دارند و برخی جنبه‌های آن هنوز ناشناخته هستند. مناسک دینی علاوه بر نمایشی بودن، ابزاری بودن، عملی بودن و اجتماعی بودن، دارای معنایی با محتوای روانی و فردی هستند و با وجود همانندی با شکل‌های دیگر فعالیت بشری، نوع خاص و مستقلی از فعالیت بشری را نشان می‌دهند (همیلتون^۱، ۱۳۹۲).

از طرف دیگر مردم‌شناسان، دین را به عنوان یک نهاد فرهنگی مورد بررسی قرار می‌دهند و مطالعه خود را با ثبت نظامات و ترکیباتی آغاز می‌کنند که جلوه‌های بیرونی آن دین در درون یک فرهنگ معین پدید آورده است (مالفیت، ۱۳۸۶، به نقل از رحمانی، ۱۳۸۷). مالیف معتقد است وقتی دین را به مثابه امری فرهنگی توصیف کردیم، در واقع آن را نظامی متشکل از اهداف، ارزش‌ها و باورها در نظر گرفته‌ایم که افراد جامعه، جهان خود را بر اساس آنها تعریف می‌کنند (همان). در جهان اجتماعی دین به مثابه امر اجتماعی، شیوه‌های خاص تعادل اجتماعی مبتنی بر باورهای دینی را شامل می‌شود که موجب پیدایش نقش‌ها و شئون این منزلت‌ها و نیز قشربندی اجتماعی می‌گردد. همچنین لمبک معتقد است مردم‌شناسی دین همان ویژگی‌های اصلی رشته مردم‌شناسی را در بطن خودش دارد. روش و رویکرد مردم‌شناختی به طور عام و مردم‌شناسی به طور خاص، کل‌گرایانه، فراگیر و جامع، مردم‌نگارانه، مقایسه‌ای، مبتنی بر زمینه و بافت، تاریخی، گفتگویی و انتقادی است (همان).

این پژوهش با هدف بررسی تغییرات عمده مناسک عزاداری محرم در بین مهاجران افغانستانی جامعه ایران انجام شد. این تغییرات تحت تأثیر دو رویکرد است: ۱- تأثیرپذیری از فرهنگ جامعه مبدأ و ۲- شیوه ادغام و مقاومت. در ادامه درباره دو این دو رویکرد توضیح داده می‌شود.

1 Hamilton

۱- تأثیرپذیری از فرهنگ جامعه مبدأ

در بررسی تأثیر مهاجرت بر رفتار و وضعیت مهاجران، از فرضیه انطباق^۱ بیشتر از سایر فرضیه‌ها استفاده شده است. بر اساس این فرضیه، در همان حین که مهاجران به تدریج با جامعه مقصد انطباق پیدا می‌کنند، رفتار و وضعیت آنها بیشتر به جامعه مقصد نزدیک می‌شود (محمودیان، ۱۳۸۶). انطباق فرایندی تعریف شده است که از طریق آن یک فرد یا گروه رفتار خود را برای هماهنگی با محیط اجتماعی یعنی گروه‌های دیگر یا جامعه کل تنظیم می‌کند (Theodorson & Theodorson, 1969).

از دیدگاه جان بری^۲، فرهنگ‌پذیری یک فرایند یادگیری است که از طریق آن فرد در یک زمینه اجتماعی-فرهنگی جدید زندگی خود را شروع می‌کند. در واقع، این فرایند فرهنگ‌پذیری از اجتماعی شدن اولیه که در جامعه قبلی رخ داده بود، به وجود می‌آید. این فرایند برای تعداد زیادی از گروه‌ها از جمله مهاجران روی می‌دهد (۲۰۰۵)، به نقل از برومندزاده و نیک‌بخت، (۱۳۹۳). به اعتقاد بری، چهار راهبرد فرهنگ‌پذیری می‌تواند رخ دهد که عبارتند از: انطباق، همانندی، جدایی و حاشیه‌گزینی. در راهبرد انطباق با رعایت فرهنگ اولیه و جامعه میزبان روبرو هستیم. در راهبرد همانندی، حذف فرهنگ اولیه و دریافت کامل فرهنگ جدید مطرح می‌شود. در راهبرد جدایی، حفظ فرهنگ جامعه جدید کنار گذاشته می‌شود و راهبرد حاشیه‌گزینی نیز بیانگر پذیرش منفی هر دو فرهنگ است (همان).

میزان احساس تعلق گروه‌های مهاجر به جامعه میزبان، همبستگی مستقیمی با میزان اشتراکات هویت این مهاجران با هویت ملی جامعه میزبان دارد (Putnam & Campbell, 2010). تماس اجتماعی بین مردمانی با پیشینه‌های متفاوت قومی و فرهنگی می‌تواند تصورات و پنداشته‌های کلیشه‌ای منفی آنها درباره یکدیگر را رفع کند و به جای آن، هویت‌های تازه و مشترکی را در آنها پدید آورد. به بیان دیگر، از این راه خطوط جداکننده خودی و غیرخودی تغییر می‌کند. این امر از مفروضات اصلی «نظریه تماس» در روان‌شناسی اجتماعی است (کاظمی‌پور، ۱۳۹۶).

۲- شیوه ادغام و مقاومت

شیوه ادغام مهاجران افغانستانی در ایران به راحتی رخ نداده و همراه با عدم پذیرش و طردشدگی بوده است. انزوای اجتماعی، اسکان جمعیت مهاجران را به صورت «گتو» یا تمرکز

1 Adaptation

2 Barry

اقلیتی درمی‌آورد و تعلق ایشان به جامعه میزبان را دچار نقصان می‌کند (اخلاقی و نوغانی، ۱۳۹۳). به اعتقاد شرمن^۱ و همکاران هر فرد دارای هویت‌های اجتماعی متفاوتی است که در برخی موقعیت‌ها یک هویت نسبت به سایر هویت‌ها برجستگی پیدا می‌کند. فرد مهاجر بیرون از جغرافیای فرهنگ آبا و اجدادی‌اش با الگوها و نموده‌های فرهنگی و ارزشی «دیگر» آشنا می‌شود و ناگزیر با آنها تعامل دارد. این تعامل در بسیاری از حالات در تناقض با پارادایم فرهنگی و هنجاری جامعه مبدأ قرار دارد که آشفتگی‌های هویتی را پدید می‌آورد (۱۹۹۹)، به نقل از سنقری و همکاران (۱۳۹۳). یکی از عوامل بروز بحران هویت در قشر جوان را می‌توان همین دوگانگی فرهنگی بر اساس تقسیم‌بندی جغرافیای فرهنگی بیرونی و درونی دانست که جوانان را در وضعیت جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری متضاد قرار می‌دهد (همان). در نتیجه احساس تبعیض در آنها شکل می‌گیرد و برای مقاومت در برابر هجوم‌های فرهنگی جامعه میزبان تلاش می‌کنند. بنابراین با پدیده‌های دوگانه مواجه هستیم: از یک طرف تغییر روی داده است و از طرف دیگر، ایده‌های مقاومت شکل گرفته و خودش را در این مناسک نشان داده است.

روش پژوهش

در این پژوهش از روش مردم‌نگاری استفاده شده است. داده‌های این مطالعه با استفاده از فنون مشاهده مشارکتی و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته عمیق (Silverman, 2005; Berg, 2006) و روش مشاهده مردم‌نگارانه گردآوری شده است. به طوری که نگارندگان در طول دهه اول محرم سال ۱۳۹۷، تمام شب‌ها را در مراسم هیئت مسجد موسی بن جعفر (ع) و هیئت یحیی بن زید شهید شرکت کردند و علاوه بر عکاسی و فیلم‌برداری، گزارشی را به صورت مکتوب آماده کردند. با این حال بعد از اتمام مراحل نگارش تحقیق برای بررسی مجدد یافته‌ها، در دههٔ اول محرم سال ۱۳۹۸، دوباره به میدان تحقیق بازگشتند. با توجه به کیفی بودن ماهیت پژوهش، از روش نمونه‌گیری هدفمند- نظری^۲ برای انتخاب افراد مصاحبه‌شونده و تعیین تعداد آنها استفاده شد. برای شناسایی مشارکت‌کنندگان تحقیق با شش نفر از افراد آشنا با حوزه‌های فرهنگی و مذهبی افغانستانی مصاحبه اکتشافی انجام شد و پس از آن دو هیئت فوق برای مشاهده انتخاب گردید. حجم نمونه در مطالعات کیفی و مردم‌نگارانه به سطح اشباع نظری^۳ پرسش‌های تحقیق بستگی

1 Sherman

2 Purposive-Theoretical Sampling

3 Theoretical Saturation

دارد. اشباع نظری زمانی روی می‌دهد که محقق به این نتیجه برسد که در جریان پژوهش، شباهت مفاهیم به دست آمده زیاد شده است و مفاهیم جدیدی ظهور نمی‌کنند (Strauss, 1967). در این تحقیق با توجه به بکر بودن فضای مورد مطالعه و به منظور دقیق‌تر بودن پژوهش، ابتدا مصاحبه‌های اکتشافی و مشاهده مشارکتی جهت مصاحبه انجام شد. مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته عمیق با ۱۲ نفر از مهاجرانی انجام شد که به نحوی با هیئت‌ها مرتبط بودند، یعنی مسئول هیئت، سخنران، مداح یا مستمع. علاوه بر این، نگارندگان با حضور در همه مراسم دو هیئت فوق و ثبت وقایع با عکاسی و فیلمبرداری و مشارکت در امور هیئت مانند سیاهی زدن و به طور مثال خرید قربانی برای مراسم سعی داشتند مشاهده مشارکتی انجام دهند و گزارش بنویسند و همین مشاهدات، دست‌مایه مصاحبه‌ها قرار گرفتند. همچنین با توجه به محدودیت‌های موجود برای مصاحبه با زنان مهاجر، افراد مورد مطالعه از بین مردان مهاجر شرکت‌کننده در مراسم محرم انتخاب شدند.

علت انتخاب دو هیئت مذکور این بود که آنها در منطقه‌ای از شهر مشهد به نام گلشهر برپا می‌شدند که یکی از نواحی عمده مسکونی برای مهاجران افغانستانی است (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۲). هیئت مسجد موسی بن جعفر (ع) یکی از بزرگ‌ترین هیئت‌هایی است که مهاجران افغانستانی در آن شرکت می‌کنند و هیئت یحیی بن زید شهید نیز هیئتی خانگی در منطقه گلشهر است. هیئت اول به دلیل گستردگی و هیئت دوم به دلیل بکر بودن و مقاومت به تغییر، انتخاب شده است.

روش‌های متعددی برای تحلیل داده‌های مردم‌نگارانه و کیفی وجود دارد که شامل تحلیل تماتیک (موضوعی) تا تحلیل نشانه‌شناختی می‌شود (محمدپور، ۱۳۹۷). در پژوهش حاضر از روش تحلیل موضوعی استفاده شده است. تحلیل موضوعی عبارت است از تحلیل مبتنی بر استقرای تحلیلی که در آن محقق با طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون‌داده‌ای و برون‌داده‌ای به سنخ‌شناسی و درک تحلیلی دست می‌یابد. این نوع تحلیل در وهله اول به دنبال الگویابی در داده هاست. زمانی که الگویابی از داده‌ها به دست آمد، باید حمایت مفهومی یا موضوعی از آن صورت گیرد. به عبارت دیگر، تم‌ها از داده‌ها نشئت می‌گیرند (همان). در این پژوهش با استفاده از شیوه متعارف تحلیل موضوعی، مصاحبه‌ها بعد از پیاده‌سازی، بر اساس سؤال اصلی و اهداف تحقیق طبقه‌بندی و مرتب شدند. سپس با واکاوی و مذاقه محتوایی و مفهومی آنها، مقوله‌های عمده استخراج و با ارجاع به دیدگاه‌های پاسخ‌گویان مستندسازی گردید. در نهایت، با توجه به

مقوله‌های استخراج‌شده، الگویی برای بررسی تغییرات (از عمده‌ترین تا کوچک‌ترین آنها) ترسیم شد و سپس توضیح و تفسیرهایی بیان گردید.

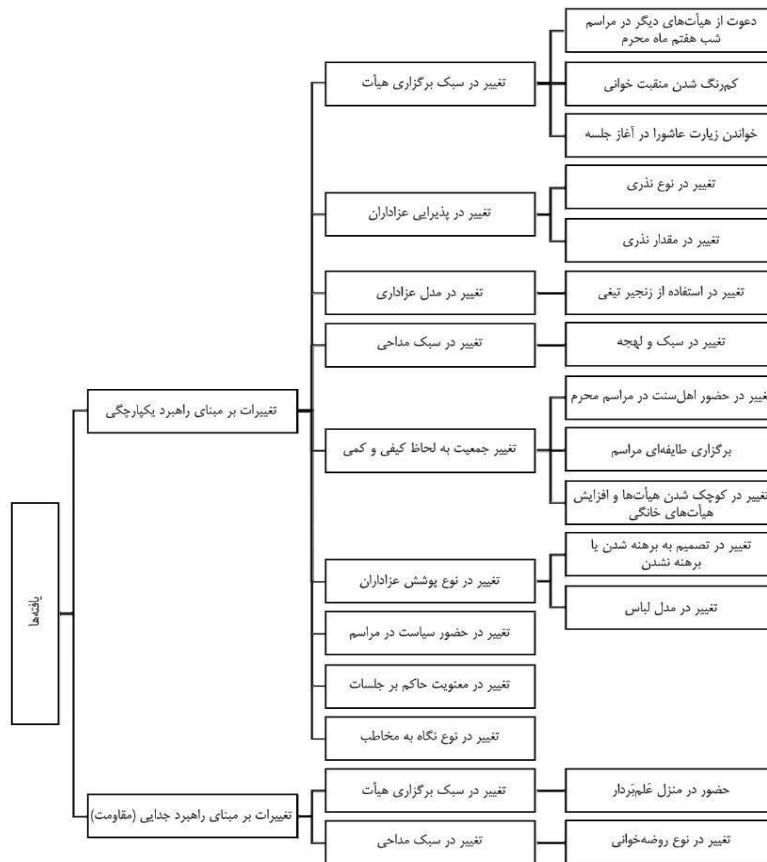
جدول (۳): مشخصات مشارکت‌کنندگان پژوهش

ردیف	نام و نام خانوادگی	سن (تقریبی)	سمت
۱	حاج آقای حسینی	۴۵	پیش‌نماز مسجد سلمان (گلشهر-سختوت)
۲	حاج آقای عرفانیان	۵۰	سخنران هیئت یحیی بن زید (گلشهر - سختوت)
۳	آقای شجاعی	۴۰	خبرنگار و مداح افغانستانی
۴	آقای رضائیان	۴۰	مداح هیئت مسجد موسی بن جعفر (گلشهر - سختوت)
۵	آقای ابراهیمی	۵۰	مسئول هیئت مسجد موسی بن جعفر (گلشهر - سختوت)
۶	آقای رضایی	۲۲	مسئول جوانان مسجد موسی بن جعفر (گلشهر - سختوت)
۷	آقای راجی	۵۰	مسئول سابق شورای هیئت‌های مهاجران
۸	آقای سید عباس	۴۰	مداح هیئت مسجد زید شهید (گلشهر)
۹	آقای حسین‌زاده	۴۵	مداح افغانستانی
۱۰	آقای حسینی	۴۵	پیش‌نماز مسجد حضرت رسول (پنج‌تن)
۱۱	آقای هاشمی	۵۵	مسئول هیئت یحیی بن زید
۱۲	آقای یوسفی	۲۰	مسئول کانون نوحه‌خوانان افغانستانی

یافته‌های پژوهش

از دیدگاه بری، هنگامی که فرد مهاجر به فرهنگ جامعه مبدأ پایبند است و در عین حال با فرهنگ جامعه مقصد نیز ارتباط دارد و به آن نیز پایبند است، راهبرد یکپارچگی را اتخاذ کرده است. در راهبرد یکپارچگی نوعی دوفرهنگی واقعی وجود دارد و وفاداری به هر دو فرهنگ، نوعی همبستگی اجتماعی را به وجود می‌آورد. از طرف دیگر، هنگامی که فرد برای حفظ فرهنگ مادری‌اش ارزش قائل می‌شود و در همین زمان از کنش متقابل با سایر فرهنگ‌ها امتناع

می‌کند، راهبرد جدایی را در پیش گرفته است. جدایی برای مهاجر زمانی رخ می‌دهد که علاقه مندی به فرهنگ خودی وجود دارد و افراد به فرهنگ سنتی خودشان اهمیت می‌دهند (۲۰۰۸)، به نقل از برومندزاده و نویخت، (۱۳۹۳). در بروز تغییرات مناسک عزاداری مهاجران این دو راهبرد را به خوبی می‌توان یافت که شیوه ادغام آنها را نیز تبیین می‌کند. در این پژوهش، نگارندگان ۱۱ مورد از این تغییرات را کشف کردند که ۹ مورد از آنها را بر اساس راهبرد یکپارچگی و ۲ مورد دیگر را بر اساس راهبرد مقاومت توضیح دادند. از آنجایی که اهمیت این تغییرات به لحاظ کیفی بررسی نشده است، بر اساس دو راهبرد مذکور، به بیان و تحلیل آنها می‌پردازیم.



نمودار (۱): تغییرات مناسک عزاداری ماه محرم افغانستانی‌های مقیم شهر مشهد

در نمودار (۱) یافته‌های پژوهش ارائه شده است که در ادامه درباره آنها توضیح داده می‌شود. این یافته‌ها در سه بخش بیان می‌شود: الف- وضعیت مراسم قبل از مهاجرت؛ ب- وضعیت مراسم بعد از مهاجرت؛ و ج- نسبت آن (یعنی تغییر مراسم) با جامعه میزبان.

۱. تغییرات بر مبنای راهبرد یکپارچگی

۱.۱. تغییر در سبک برگزاری هیئت

در این پژوهش منظور از سبک برگزاری عزاداری، مفاهیمی مانند رفتار و کنش عزاداری مستمعان، مسئولان و متولیان هیئت است.

۱.۱.۱. دعوت از هیئت‌های دیگر در مراسم شب هفتم محرم

الف- وضعیت قبل از مهاجرت: در بین مردمان شیعه افغانستان، شب هفت محرم به برادر امام حسین (ع)، حضرت عباس بن علی مشهور به حضرت ابوالفضل (ع) اختصاص دارد. این مراسم به «علم‌کشی» معروف است. علم در خانه فرد بزرگی که عموماً سید و پیر غلام است، در روز اول محرم و در مراسمی مخصوص آماده می‌شود. در این روز پارچه‌های قدیمی علم تعویض و برای مراسم محرم آماده می‌شود. در عصر روز ششم عزاداران به خانه کسی می‌روند که علم در منزل اوست و طی مراسمی علم را به سمت حسینیه یا تکیه می‌آورند. یکی از مراسم این شب، دعوت از هیئت‌های دیگر است؛ به طوری که حتی اگر دو هیئت با هم رقابت داشته داشتند، باز هم در شب هفتم یکدیگر را به مراسم خود دعوت و پذیرایی می‌کنند. یکی از مصاحبه‌شوندگان (آقای حسینی) گفت:

«و این جالبه که حتی دو تا مسجدی که با هم رقابت سالم مذهبی دارند، در نحوهٔ اجرای برنامه‌ها حتی اختلافات کوچک سلیقه‌ای دارن، اما در برنامهٔ علم‌کشی یک نوع حسن نیتشون رو میخوان به هم ثابت کنن و یک تعامل این جور دارن».

ب- وضعیت بعد از مهاجرت: این مراسم که در بین هیئت‌های بزرگ مهاجران افغانستانی شهرت دارد، تا چند سال پیش برگزار می‌شد. در سال‌های اخیر با اینکه مهاجران همه تلاش خود را برای حفظ این سنت دیرینه انجام داده‌اند، تحت تأثیر مسائل اقتصادی به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر روند تغییر مراسم مذهبی، این مراسم به تدریج به فراموشی سپرده شد و کمتر برگزار می‌شود.

ج- نسبت آن با جامعه میزبان: یکی از کارهایی که هیئت میزبان انجام می‌داد، پذیرایی از مستمعان هیئت مدعو بود. این پذیرایی بار مالی سنگینی را بر دوش هیئت میزبان می‌گذاشت. با توجه به اینکه شرایط اقتصادی مهاجران بعد از مهاجرت آنها به ایران مساعد نبوده و وضعیت اقتصادی ایران نیز رشد نامطلوبی را در این سال‌ها داشته است، عامل اقتصادی تأثیر بسیاری بر تغییر این مقوله گذاشته است. البته با توجه به مشاهدات به نظر می‌رسد افزایش تعداد هیئت‌های خانگی در طی این سال‌ها یکی دیگر از علت‌های این تغییر در مراسم است.

۱.۱.۲. خواندن زیارت عاشورا در آغاز جلسه

الف- وضعیت قبل از مهاجرت: یکی از مواردی که قبل از مهاجرت در مراسم مهاجران افغانستانی نبوده یا بسیار محدود بوده است، تلاوت زیارت عاشوراست. به طوری که مجالس در افغانستان معمولاً با مدح و ثنای اهل بیت یا خطابه‌های کوتاه توسط روحانیون جوان‌تر شروع می‌شد. در آغاز برخی جلسات نیز به اصطلاح «چاووشی» خوانده می‌شد. منقبت‌خوانی اهل بیت یکی دیگر از مناسک در آغاز جلسات بوده است. در واقع به ندرت مراسم با دعاهایی مانند دعای توسل و زیارت عاشورا شروع می‌شد.

یکی از مصاحبه‌شوندگان (آقای راجی) درباره این موضوع گفت: «ما زیارت عاشورا رو در افغانستان نداشتیم».

ب- وضعیت بعد از مهاجرت: بعد از ورود مهاجران افغانستانی به ایران، در بیشتر هیئت‌ها در آغاز جلسات، مراسم دعاخوانی برگزار شد. این گروه از مهاجران بعد از مدت کوتاهی تصمیم گرفتند جلسات مذهبی خود را برگزار کنند. بر اساس شرایط آن زمان که جلسات دعا در ایران زیاد بوده است، مهاجران نیز با همان تعداد محدود اعضای خانواده خود جلساتی را تشکیل می‌دادند. به طوری که بعضی از جلسات و هیئت‌ها به اسم جلسه دعای توسل شکل می‌گرفتند. شرایط جدید باعث شد که آنها به تدریج مراسم خود در ماه محرم را با دعاخوانی برگزار کنند؛ از این رو امروزه در بیشتر هیئت‌ها زیارت عاشورا خوانده می‌شود.

ج- نسبت آن با جامعه میزبان: بر اساس مشاهدات و مصاحبه‌ها، دلایل عدم تلاوت زیارت عاشورا در آغاز جلسات در کشور افغانستان، مضمون زیارت عاشورا و همزیستی افغانستانی‌های شیعه و سنی در افغانستان است. از آنجایی که لعن‌هایی در زیارت عاشورا وجود دارد و سنی مذهب‌ها به بیان آنها تمایل ندارند، هنگامی که اهل سنت در مراسم عزاداری شیعیان شرکت

می‌کردند، معمولاً زیارت عاشورا در مراسم تلاوت نمی‌شد. با توجه به نظریه پنتام و کمبل (۲۰۱۰) تماس اجتماعی باعث شده است که این دو گروه مذهبی در ایام برگزاری مراسم مذهبی دچار تراحم نشوند، اما امروزه در بیشتر مجالس مهاجران افغانستانی زیارت عاشورا خوانده می‌شود؛ زیرا در ایران دیگر آن همزیستی از بین رفته یا بسیار کم‌رنگ شده است و مذهب رسمی در ایران شیعه است و مناسک شیعی راحت‌تر برگزار می‌شود.

۱. ۱. ۳. کم‌رنگ شدن منقبت خوانی

الف- وضعیت قبل از مهاجرت: منقبت‌خوانی معمولاً به زبان شعر و گاهی در قالب قصه و به زبان نثر بیان می‌شود. منقبت‌خوانی زمان و مکان ویژه و مشخصی را نمی‌طلبد؛ بلکه میادین عمومی، مساجد، مزارها، بازار، سر کوچه‌ها، مدارس و گوشه باغ که محل عبور مردم از آنهاست، محل حضور مداحان و هنرنمایی آنها تلقی می‌شود. در افغانستان منقبت‌خوانی معمولاً در آغاز مجالس ماه محرم برگزار می‌شد و پای ثابت بسیاری از جلسات افغانستانی‌ها بود. در این مراسم منقبت‌خوانان به ترتیب خاص منقبت می‌خوانند؛ به این صورت که ابتدا منقبت خوانان نوآموز و در انتها استادان این حوزه منقبت می‌خوانند.

یکی از مصاحبه‌شوندگان (آقای حسین‌زاده) درباره این موضوع گفت:

«اینجا بیشتر رونق پیدا کرده که مراسم با زیارت عاشورا شروع بشه، ولی در افغانستان بیشتر با منقبت‌خوانی بود و اینجا کم‌رنگ شده و بیشتر مجالس خاصی هست».

ب- وضعیت بعد از مهاجرت: سنت منقبت‌خوانی در طی سالیان گذشته در ایران در بین مهاجران افغانستانی بسیار کم‌رنگ شده است. بر اساس مشاهدات در اغلب مجالس عزاداری مهاجران افغانستانی در ماه محرم، مراسم منقبت‌خوانی برگزار نمی‌شود و جوان‌ترها علاقه کمتری به این سبک نشان می‌دهند. فقط در بعضی از مجالس خانگی و در یکی از هیئت‌ها به نام هیئت مسجد زید شهید این مراسم پیش از شروع مراسم اصلی برگزار می‌شود. با توجه به مشاهدات و مصاحبه‌ها، استقبال از مراسم منقبت‌خوانی کم‌رنگ‌تر شده است؛ به این صورت که در شروع جلسات افراد کمتری در مجلس حضور دارند و هنگام سینه‌زنی معمولاً جمعیت افزایش می‌یابد. گفتنی است در یک یا دو سال اخیر به دلایلی همچون بازگشت به سنت‌های گذشته و اصیل افغانستانی، عده‌ای از مهاجران افغانستانی به دنبال آموزش و ترویج سنت منقبت‌خوانی هستند.

ج- نسبت آن با جامعه میزبان: به نظر می‌رسد نبود دسترسی به استاد یکی از عوامل کم رنگ شدن مراسم منقبت‌خوانی است؛ زیرا مهم‌ترین رکن منقبت‌خوانی، فراگیری درست این سبک از عزاداری است. طی سالیان حضور مهاجران افغانستانی در ایران و کوهلت سن استادان یا فوت برخی از آنان، ارتباط نسل جوان با این سبک سنتی عزاداری افغانستانی‌ها کم‌رنگ یا قطع شده است. همچنین با توجه به اینکه مراسم منقبت‌خوانی گاهی تا یک ساعت طول می‌کشد و باعث طولانی‌تر شدن مجالس می‌شود، نیازمند حوصله زیاد و وقت آزاد مستمعان است. مدرن شدن سبک زندگی و تغییرات فرهنگی داخل کشور میزبان، به کاهش حوصله و وقت انسان‌ها انجامیده و در نتیجه، استقبال از مراسم منقبت‌خوانی کم‌رنگ شده است.

۱.۲. تغییر در پذیرایی از عزاداران

۱.۲.۱. تغییر در نوع نذری

الف- وضعیت قبل از مهاجرت: مردم افغانستان اعتقاد دارند باید بهترین غذا برای مراسم عزاداری اهل بیت استفاده شود؛ زیرا اهل بیت بهترین‌ها را در راه خدا اهدا کردند. قبل از مهاجرت، چند غذای اصلی در بین مهاجران و در ایام مهم محرم طبخ و توزیع می‌شد که یکی از معروف‌ترین و مهم‌ترین آنها غذایی به اسم «قابلی» است. قابلی از برنج، گوشت گوسفند، زردک، کشمش، خلال بادام و پسته تهیه می‌شود. بر اساس شنیده‌ها از مهاجران افغانستانی ساکن مشهد، طرز تهیه قابلی به این صورت است که بعد از طبخ گوشت در ظرفی جدا، برنج را با آب گوشت باقی‌مانده، طبخ و از خلال بادام، پسته و کشمش برای تزیین آن استفاده می‌کنند. قابلی با گوشت فراوان تولید می‌شود و غذایی بسیار لذیذ است که مردم افغانستان به آن علاقه دارند.

یکی از مصاحبه‌شوندگان (آقای شجاعی) درباره این موضوع گفت:

«من توی روزه ابا عبدالله (ع) همیشه بهترین غذا رو خوردم. همیشه باکیفیت‌ترین غذا رو خوردم که حالا اونجا مثلاً قابلی درست می‌کردند یا مثلاً آبگوشت».

ب- وضعیت بعد از مهاجرت: طبخ غذای قابلی در سال‌های قبل در بین هیئت‌های بزرگ مهاجران رواج داشته است، اما امروزه در بعضی از هیئت‌های خانگی به عنوان نذری داده می‌شود. مردم افغانستان این غذا را بسیار دوست دارند و اعتقاد دارند که برای پذیرایی از عزاداران امام حسین (ع) باید بهترین غذاها را استفاده کرد، ولی امروزه کمتر این غذا طبخ می‌شود. بر اساس مشاهدات در چند هیئت، در مراسم محرم سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ خورشیدی، انواع غذاهای جدید و ایرانی از جمله چلو قیمة، چلو مرغ و شله مشهدی طبخ شده است.

ج- نسبت آن با جامعه میزبان: با توجه به اینکه در افغانستان قیمت گوشت گوسفند ارزان بوده است، با قربانی کردن هر گوسفند می‌توانستند به تعداد زیادی از عزاداران غذا دهند. همچنین به دلیل دسترسی آسان به گوشت گوسفند و لذیذ بودن آن، قابل‌بسیار زیاد طبخ می‌شد، اما در سال‌های اخیر به دلیل وارد شدن فشار اقتصادی زیاد بر افغانستانی‌ها، میزان طبخ این غذا بسیار کاهش یافته است. بر اساس طرح آمایش سال ۱۳۸۴^۱، بیش از ۶۰ درصد از مهاجران افغانستانی ساکن ایران، کارگر ساده هستند و به دلیل گرانی مواد مورد نیاز برای تهیه قابلی، طبخ این غذا بسیار کاهش یافته است.

۱.۲.۲. تغییر در مقدار نذری

الف- وضعیت قبل از مهاجرت: بر اساس مصاحبه‌های انجام‌شده با افراد مطلع از هیئت‌ها، در افغانستان در ایام ماه محرم تعداد زیادی گاو و گوسفند در مراسم قربانی می‌شد. معمولاً در تکیه مرکزی که مراسم اصلی در آن برگزار می‌گردید، برای پذیرایی از مهمانان نذرهای بزرگ انجام می‌شد. با توجه به حضور گسترده مردم به ویژه در روز عاشورا (روز دهم محرم) و شب هفتم محرم، بسیاری از افراد قربانی اهدا می‌کردند؛ به طوری که در بعضی از مواقع ده‌ها گوسفند و گاو به پای علم قربانی می‌شد.

یکی از مصاحبه‌شوندگان (آقای هاشمی) درباره این موضوع گفت:

«در روز عاشورا سه تا چهار تا گاو می‌کشتیم و بیست تا دیگ برنج بار می‌گذاشتیم.»

ب- وضعیت بعد از مهاجرت: مهاجرانی که معمولاً در افغانستان دامدار بودند و وضعیت اقتصادی نسبتاً خوبی داشتند، تعداد زیادی گاو و گوسفند نذر می‌کردند. بعد از ورود به ایران، تعداد قربانی‌ها کمتر از گذشته شد. بر اساس مشاهدات، در یکی از بزرگ‌ترین دسته‌های مهاجران، در شب هفتم محرم فقط یک گاو قربانی شد و در مجلس خانگی دیگر نیز فقط یک گوسفند برای کل دهه اول محرم اهدا گردید.

ج- نسبت آن با جامعه میزبان: تمرکز حسینی‌ه یا تکیه در افغانستان باعث شده بود که اهالی یک روستا یا منطقه با کمک هم مجلس برگزار کنند و حضور افراد به افزایش تعداد نذری‌ها و مقدار آنها کمک می‌کرد، اما در ایران با توجه به جدایی در بین مهاجران افغانستانی این اتفاق رخ نداد و به دلیل وجود فشار مسائل اقتصادی که قبلاً بیان گردید، از تعداد و میزان نذری‌ها کاسته شد.

۱ متأسفانه دسترسی به داده‌های به‌روز در این زمینه دشوار است.

۳.۱. تغییر در مدل عزاداری

۳.۱.۱. تغییر در استفاده از زنجیر تیغی

الف- وضعیت قبل از مهاجرت: در افغانستان متناسب با فرهنگ موجود در آنجا نوعی از عزاداری رواج دارد که فرد برای ابراز همدردی با مصیبت‌هایی که در روز عاشورا بر نوه پیامبر اسلام (ص) و خاندانش وارد شد، به بدن خود آسیب می‌زند. یکی از این موارد استفاده از زنجیرهایی است که به آنها تیغ وصل شده است و فرد پس از اینکه این زنجیرها را بر پشت خودش می‌زند، دچار آسیب می‌شود.

یکی از مصاحبه‌شوندگان (سید عباس) درباره این موضوع گفت:

«در شب هفتم محرم در افغانستان، بیشتر مردم زنجیر تیغی می‌زنند. اینجا هم می‌زنند کماکان که سال‌های قبل علنی بود، ولی الان علنی نیست».

ب- وضعیت بعد از مهاجرت: این نوع شیوه عزاداری یعنی استفاده از زنجیر تیغی همراه مهاجران به ایران نیز آورده شد و تا سال‌های قبل به صورت علنی در بعضی از هیئت‌ها از آن استفاده می‌شد. البته امروزه به صورت غیرعلنی و در سطح محدود این نوع عزاداری رواج دارد؛ به طوری که در بعضی از مجالس خانگی و به اصطلاح زیرزمینی مراسمی برگزار می‌شود که عزاداران از این ابزار برای عزاداری استفاده می‌کنند.

ج- نسبت آن با جامعه میزبان: در سال‌های اخیر به دلیل ممنوعیت‌هایی که در کشور ایران بر اساس فتوای مراجع تقلید ایجاد شد، این نوع از عزاداری تقریباً به حاشیه رانده شده و حالتی زیرزمینی و محدود به خود گرفته است. از طرف دیگر، باید توجه داشت که به گفته بعضی از مهاجران افغانستانی این تغییر در نوع عزاداری، خودخواسته بوده است و منطق آن رشد روزافزون وسایل ارتباط جمعی است که امکان تصویربرداری از این گونه مراسم و پخش گسترده آن را فراهم کرده است.

۴.۱. تغییر در سبک مداحی

۴.۱.۱. تغییر در سبک و لهجه

الف- وضعیت قبل از مهاجرت: در افغانستان به کسی که مدح اهل بیت را می‌خواند، منقبت‌خوان می‌گویند و فردی که شعری را به منظور سینه‌زنی می‌خواند، نوحه‌خوان می‌نامند. نوحه دو نوع است: نوحه کم و نوحه تیز. نوحه کم با ریتم آرام خوانده می‌شود و عموم مداحان

در آن مهارت دارند، اما نوحه تیز که سریع خوانده می‌شود، مهارتی است که هر مداحی توانایی مهارت یافتن در اجرای آن را ندارد و اگر اجرا کند، مخاطبان زیادی از آن استقبال نمی‌کنند. سبک سنتی نوحه‌خوانی به صورت شنیداری و سینه به سینه انتقال یافته و تاکنون روشی مدرن و کلاسیک برای آموزش آن فراهم نشده است. ریتم و آهنگ موسیقی این سبک، نزدیک و شبیه به موسیقی هندی و پاکستانی است.

یکی از مصاحبه‌شوندگان (آقای یوسفی) درباره این موضوع گفت:

«الان سبک‌هایی که ما می‌خوانیم، اصلاً افغانستانی اصل نیست؛ یعنی سبک‌هایی که می‌خوانیم، طوری است که کافیه لهجه رو برگردانیم».

ب- وضعیت بعد از مهاجرت: با ورود مهاجران افغانستان به ایران و آشنایی آنها با سبک‌ها و نواهای ایرانی، به تدریج این سبک نوحه‌خوانی در بین هیئت‌های مهاجران کم‌رنگ شد، ولی کاملاً از بین نرفت؛ به طوری که جمع‌های بسیار زیادی در قالب کانون‌های نوحه‌خوانی تشکیل شده‌اند که هدف آنها آموزش سبک‌های سنتی نوحه‌خوانی افغانستان است. حتی نوجوانان به طور مستمر در این جلسات شرکت می‌کنند.

ج- نسبت آن با جامعه میزبان: بالا رفتن سن یا فوت نسل اول نوحه‌خوان‌های مهاجر و تربیت نشدن نوحه‌خوان‌های جوان، تغییر لهجه نسل دوم و سوم مهاجران که غالباً آشنایی بسیار کمی با لهجه افغانستانی دارند، عواملی‌اند که باعث کاهش رونق مراسم نوحه‌خوانی شده‌اند. به طوری که بعضی از مداحان قدیمی و حتی جوان‌ترها به مداحانی که مهارت خواندن به زبان افغانستانی ندارند، اعتراض می‌کنند و از آنها می‌خواهند یا ایرانی بخوانند یا با لهجه درست افغانستانی. از طرف دیگر تاکنون آموزش نوحه‌خوانی افغانستانی به شیوه کلاسیک انجام نشده و هر چه به نسل جوان منتقل شده، به صورت سینه به سینه بوده است.

۵.۱. تغییر جمعیت به لحاظ کیفی و کمی

۵.۱.۱. تغییر در حضور اهل سنت در مراسم محرم

الف- وضعیت قبل از مهاجرت: با توجه به اینکه حدود ۲۵ درصد از مردم افغانستان شیعه هستند (عبدلی، ۱۳۹۱) همزیستی مسالمت‌آمیزی بین مردم شیعه و سنی در افغانستان به وجود آمده است (البته این نگاه مستثنا از نگاه سیاسی و گروه‌های تروریستی در افغانستان است)؛ به طوری که طبق گفته مصاحبه‌شوندگان، اهل سنت در مراسم عزاداری محرم حضور فراوانی دارند؛

تا جایی که علاوه بر حضور عوام، بعضی از مولوی‌های (روحانیون) اهل سنت نیز در مراسم عزاداری شرکت می‌کنند. گاهی مشاهده شده است که آنها نذری می‌دهند و حتی حاجت می‌گیرند. یکی از مصاحبه‌شوندگان (آقای شجاعی) درباره این موضوع گفت:

«ما در افغانستان شیعه و سنی نداشتیم. من یادم می‌آید در افغانستان تو همون هیئتی که پدرم به اصطلاح اونجا مداح و روضه‌خوان اون هیئت بود، کنار ما یک آبادی اهل سنت بود که اینها عزاداری می‌کردند.»

ب- وضعیت بعد از مهاجرت: اکثر افغانستانی‌هایی که به مشهد مهاجرت کردند، شیعه هستند. افراد کمی که سنی بوده و به مشهد مهاجرت کرده‌اند، نتوانسته‌اند آن همزیستی کشور مبدأ را ایجاد کنند. به طوری که امروزه تقریباً در هیچ مجلسی حضور اهل سنت در کنار شیعیان مشاهده نمی‌شود. هر چند بعضی از جلسات، بیشتر جلسات شبه‌سیاسی است؛ زیرا نهادهای دولتی و شبه‌دولتی آن جلسات را برگزار می‌کنند. این جلسات به صورت مشترک بین شیعه و سنی تشکیل می‌شود.

ج- نسبت آن با جامعه میزبان: مذهب رسمی کشور ایران شیعه است. پس از مهاجرت افغانستانی‌ها به ایران با توجه به وضعیت موجود در کشور میزبان، بیشتر خانواده‌ها و هم‌قریه‌ها از هم جدا شدند و دیگر در کشور میزبان در کنار هم نیستند. به همین دلیل این همزیستی به هم خورده است و به وضوح عدم تفاهم نسل‌های متولدشده در ایران را با اهل سنت می‌توان دید.

۵.۱.۲. برگزاری طایفه‌ای مجالس عزاداری

الف- وضعیت قبل از مهاجرت: بیشتر مجالس عزاداری در افغانستان به صورت طایفه‌ای برگزار می‌شود؛ به این صورت که معمولاً بزرگان یک طایفه، مسئولان اصلی مراسم مذهبی هستند و اعضای هر طایفه ترجیح می‌دهند در مراسم مربوط به طایفه خود شرکت کنند. قبل از مهاجرت هر فرد تقریباً مجبور بوده است حضور در مراسم طایفه خود را در اولویت قرار دهد.

یکی از مصاحبه‌شوندگان (حاج آقای عرفانیان) درباره این موضوع گفت:

«در مراسم افغانستان یک هیئت مؤسس است و اقوامش ناگزیر به همان حسینیه خاص می‌رفتند.»

ب- وضعیت بعد از مهاجرت: برگزاری طایفه‌ای مجالس عزاداری، رسمی است که حتی با وجود مهاجرت افغان‌ها به ایران، رگه‌هایی از آن در مجالس مهاجران بر جای مانده است؛ به عبارت

دیگر، هنوز مشخص است که برگزاری فلان جلسه به کدام طایفه و منطقه تعلق دارد. فقط هیئت مسجد موسی بن جعفر (ع) تقریباً از این موضوع فاصله گرفته است. باید توجه داشت که افزایش هیئت‌های خانگی برای گردهم‌آوردن اعضای یک طایفه خاص بوده است؛ زیرا این طوایف پس از مهاجرت به ایران پراکنده شده‌اند و این امر در راستای تداوم سنت‌های افغانستانی است.

ج- نسبت آن با جامعه میزبان: بعد از اینکه نسل‌های دوم و سوم مهاجران افغانستانی در ایران متولد و بزرگ شدند، سعی کردند دنباله‌رو سنت‌های پدران خود باشند، اما زندگی در فضایی مدرن‌تر نسبت به جامعه مبدأ و رشد کلی فرهنگ جوامع و احساس نیاز به همبستگی باعث شده است که بیشتر به برگزاری مجالس واحد و یکپارچه تمایل داشته باشند.

۱. ۵. ۳. کوچک‌شدن هیئت‌ها و افزایش هیئت‌های خانگی

الف- وضعیت قبل از مهاجرت: قبل از مهاجرات افغان‌ها، معمولاً در افغانستان یک تکیه یا حسینیه در هر منطقه وجود داشت و مجالس عزاداری بیشتر در این مکان‌ها برگزار می‌شد. البته در دوران خفقان که حکومت‌ها علیه شیعیان بودند، مجالس خانگی نیز برگزار می‌شد، اما در حالت‌های عادی و معمول، برگزاری این مجالس بسیار کم‌رنگ بوده است. حُسن برگزاری مجالس در یک مکان خاص، تعظیم شعایر یا همان باعظمت برگزار شدن این مراسم بوده است. آقای رضایی (یکی از مسئولان هیئت مسجد موسی بن جعفر) درباره این موضوع گفت:

«بیش از ۳۰ یا ۴۰ سال می‌گذره. دوباره همه با هم فامیل شدند و مجالس خانگی الان رنگ و بوی بهتری داره».

ب- وضعیت بعد از مهاجرت: در ایران ابتدا بیشتر مراسم مهاجران افغانستانی به صورت خانگی برگزار می‌شد و بعد از اینکه مهاجران توانستند مکان‌هایی را با کمک احزاب سیاسی افغانستان تهیه کنند، این مراسم در مکان‌های ویژه مانند مساجد و حسینیه‌های تازه‌تأسیس برگزار شد. اما در سال‌های بعد با توجه به دور شدن مهاجران افغانستانی از سیاست، حضور در این جلسات کم‌رنگ‌تر شد و مهاجران به تشکیل هیئت‌های خانگی رو آوردند؛ به طوری که امروز بالغ بر چند صد هیئت خانگی در مناطقی مانند گلشهر وجود دارد.

ج- نسبت آن با جامعه میزبان: هیئت‌های خانگی بسیاری در مناطق دارای جمعیت زیاد مهاجران افغانستانی وجود دارد. این هیئت‌ها معمولاً با هدف گردآوری اعضای یک فامیل به دور هم تشکیل شده‌اند. خانواده‌هایی که در ابتدا جمعیت کمی داشتند، در طی سال‌ها زندگی در ایران با زاد و ولد و ازدواج گسترش یافتند. البته بر اساس صحبت‌های مشارکت‌کنندگان تحقیق،

دلیل دیگر، اختلافاتی است که در مساجد و حسینیه‌های بزرگ (که در آغاز حضور مهاجران بسیار پرجمعیت بوده‌اند) در زمینه مسائل مختلف هیئت به وجود آمده است. این مورد یکی دیگر از عوامل گسترش این هیئت‌های خانگی است.

۱.۶. تغییر در نوع پوشش عزاداران

۱.۶.۱. تغییر در تصمیم به برهنه‌شدن یا برهنه نشدن

الف- وضعیت قبل از مهاجرت: در افغانستان معمول بوده است که هنگام سینه‌زنی برای عزاداری، لباس بالاتنه خود را درمی‌آوردند و سپس سینه یا زنجیر می‌زدند. از آنجایی که در بین شیعیان یک اصل مهم در هنگام عزاداری، آسیب زدن به خود است، اگر هنگام سینه زدن لباس درآورده شود، این عمل بهتر انجام می‌شود. بر اساس گفته‌های بیشتر مصاحبه‌شوندگان تقریباً در همه مراسم عزاداری در افغانستان، مردان به صورت عریان مراسم سینه‌زنی را انجام می‌دادند.

یکی از مصاحبه‌شوندگان (آقای راجی) درباره این موضوع گفت:

«اونجا رسم بود که لباس را از تن درمی‌آوردن».

ب- وضعیت بعد از مهاجرت: در آغاز ورود مهاجران افغانستانی به ایران این رسم همچنان وجود داشت و مردان در مراسم عزاداری به صورت برهنه سینه می‌زدند، اما مدتی بعد از حضور مهاجران در ایران، این رسم به تدریج کم‌رنگ شد. بر اساس مشاهدات نیز در کمتر هیئتی عزاداران لباس خود را از تن درمی‌آوردند. آنها ترجیح می‌دادند که با همان لباس بر تن عزاداری کنند یا در نهایت تی‌شرت‌هایی نازک برای سینه‌زنی بر تن می‌کردند.

ج- نسبت آن با جامعه میزبان: این رسم در ایران به دلایلی از جمله اختلاط زن و مرد و امکان تصویربرداری از بدن عریان مردان و سوءاستفاده از آن مگر در مجالس خصوصی، تقریباً دیگر اجرا نمی‌شود. در ایران با توجه به محدودیت فضا و نیز نوع معماری اخیر، فضای در نظر گرفته شده برای زنان نزدیک و گاهی مشرف به مجلس مردانه است و این امر باعث می‌شود که رسم برهنه شدن هنگام عزاداری بسیار کم‌رنگ شود.

۱.۶.۲. تغییر در مدل لباس

الف- وضعیت قبل از مهاجرت: در بعضی از مجالس که محدودیت‌هایی وجود داشت، مدل خاصی از لباس برای عزاداری در افغانستان استفاده می‌شد. این تنوع لباس در مناطق مختلف افغانستان متفاوت بوده است. یکی از انواع فراگیر، لباسی بود که جلوی سینه فرد و

پشت آن برای سینه‌زنی و زنجیرزنی بریده می‌شد. لباسی که همان حالت عزاداری را نشان می‌دهد که به نیت آسیب‌هایی که به خانواده اهل بیت رسیده، سینه زنجیرزن سوراخ شده است.

یکی از مصاحبه‌شوندگان (سید عباس) درباره این موضوع گفت:

«مثلاً پیراهن سیاهی که تن ما بود، این قسمتش (منظور جلوی سینه است) و جایی که برای

زنجیر بود، بریده شده بود».

ب- وضعیت بعد از مهاجرت: این مدل لباس نیز در ایران به مرور جای خود را به لباس مشکی ساده داد. در این بین، نوع لباس در یکی از هیئت‌های مهاجران که سبک متفاوتی داشت و بیشتر شرکت‌کنندگان آن جوان بودند، نظر نگارندگان را جلب کرد. این لباس، تی‌شرت مشکی یکدستی بود که آرم هیئت نیز روی آن حک شده بود. با پرسش از مصاحبه‌شوندگان مشخص شد که این نوع پوشش در بعضی دیگر از هیئت‌ها نیز وجود دارد.

ج- نسبت آن با جامعه میزبان: هیئت‌های مهاجران افغانستانی با تأثیرپذیری از هیئت‌های ایرانی امروزه بیشتر لباس مشکی ساده می‌پوشند. جامعه میزبان (ایران) فرصتی را در اختیار مهاجران گذاشته است که بتوانند مناسک عزاداری خود را برگزار کنند. در این تحقیق در بازدید از هیئت‌های مختلف افغانستانی، هیئتی مشاهده شد که در آن عزاداران به صورت یکدست تی‌شرت‌های مشکی را به تن کرده بودند که آرم هیئت روی آن چاپ شده بود. به نظر می‌رسد این گروه از جوانان با ایجاد تمایز در هیئت خود، هویتی مخصوص به خودشان را ایجاد کرده‌اند؛ به طوری که بعد از ورود به جلساتشان تفاوت آنها حتی با سایر هیئت‌های افغانستانی محسوس است.

۷.۱. تغییر در حضور سیاست در مراسم

الف- وضعیت قبل از مهاجرت: در بین مردم افغانستان، سیاست بسیار پررونق بوده است. تقریباً همه احزاب سیاسی شیعه در افغانستان دارای هیئت بودند و از این بستر دینی برای نیل به اهداف سیاسی خود استفاده می‌کردند. این موضوع باعث تشکیل هیئت‌هایی زیر نظر حزب‌های سیاسی می‌شد؛ تا جایی که فرد با حضور در جلسه‌ای خاص، منش سیاسی و فکری آن حزب را نیز تأیید می‌کرد.

یکی از مصاحبه‌شوندگان (آقای عرفانیان) درباره این موضوع گفت:

«ما یک زمانی در افغانستان در بخش سیاسی خیلی فعال و گرفتار بودیم».

ب- وضعیت بعد از مهاجرت: در آغاز ورود مهاجران افغانستانی به ایران (موج سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ خورشیدی)، هیئت‌های بزرگ به احزاب مختلف افغانستانی متعلق بودند و از طرف این احزاب حمایت می‌شدند؛ یعنی هیئت با حمایت مالی یک حزب خاص به وجود می‌آمد. این وضعیت تا مدت‌ها پس از حضور مهاجران ادامه داشت، اما در طول زمان کاملاً تغییر کرد و فضای حاکم سیاست از هیئت‌ها کنار رفت.

ج- نسبت آن با جامعه میزبان: با توجه به خاطره بد جنگ‌های داخلی در بین احزاب شیعه در افغانستان، به صورت کلی گرایش به سیاست در بین مهاجران افغانستانی رو به افول رفته است؛ به طوری که امروزه به اعتقاد بعضی از مصاحبه‌شوندگان، اغلب مهاجران به گرایش‌های سیاسی و ورود این موضوعات به جلسات عزاداری تمایل ندارند. این موضوع با مشاهده چند هیئت بزرگ و چند هیئت خانگی مهاجران مطابقت دارد.

۱.۸. تغییر در معنویت حاکم بر جلسات

الف- وضعیت قبل از مهاجرت: در بین مردم افغانستان محبت زیاد به امام حسین (ع) باعث ابراز احساسات شدید در هنگام عزاداری می‌شد؛ به طوری که در بعضی از جلسات برخی از عزاداران از حال می‌رفتند و بیهوش می‌شدند. حضور گسترده در جلسات مذهبی و نذر و نیاز فراوان نشان‌دهنده اعتقاد راسخ آنها به اهل بیت بود. این احساس پرشور به صورتی بود که اگر در حضور بعضی از سادات، روضه حضرت زینب (س) خوانده می‌شد، به غیرت آنها برمی‌خورد و بسیار ناراحت می‌شدند.

یکی از مصاحبه‌شوندگان (آقای حسینی) درباره این موضوع گفت:

«خلوص مردم بیشتر بود. به هر دلیلی که من علت اونونمی‌دونم».

ب- وضعیت بعد از مهاجرت: امروزه سوز و گداز مجالس نسبت به قبل کمتر شده است؛ زیرا بیشتر شرکت‌کنندگان در مراسم امروزی را جوانان تشکیل می‌دهند و بر اساس گفته مصاحبه‌شوندگان، حوصله جوانان کمتر شده است و به نشستن پای منبر و گوش دادن به روضه تمایل ندارند. در مجالس مشاهده شد که هنگام برگزاری مراسم روضه‌خوانی بعد از منبر، معمولاً تعداد افراد کم است. اما برای مناسک سینه‌زنی که با شور بیشتری همراه است و کمتر حالت سوز و گداز دارد، تعداد حضار در مجلس بیشتر می‌شود.

ج- نسبت آن با جامعه میزبان: مدرنیته نه تنها بر زندگی انسان‌ها تأثیر گذاشته و آن را مکانیکی کرده، بلکه زندگی معنوی آنها را نیز دربر گرفته است. به صورتی که از عرفی شدن دین سخن گفته می‌شود. جوانان افغانستانی که پیشگام بیشتر هیئت‌ها هستند، تحت تأثیر فرهنگ ناشی از مدرنیته از معنویتی که در قدیم متداول بوده است، فاصله گرفته‌اند.

۱. ۹. تغییر در نوع نگاه به مخاطب

الف- وضعیت قبل از مهاجرت: در گذشته به طور معمول افراد مسن‌تر در رأس امور بودند و حضور فعال‌تری در هیئت داشتند؛ به طوری که کل هیئت بر اساس دستورات آنها رهبری می‌شد. بیشتر افراد شرکت‌کننده در هیئت نیز افراد مسن بوده‌اند. در واقع در افغانستان بزرگ‌ترها بسیار مورد احترام بودند و آنها حرف آخر را می‌گفتند. این نگاه به هیئت‌ها نیز راه یافته و به همین دلیل فعالیت جوانان و نوجوانان در هیئت‌های افغانستان بسیار کم‌رنگ بوده است.

آقای رضایی درباره این موضوع گفت:

«اونجا در اون مناطق همون طور که آبا و اجدادشون رفتار می‌کردن، همون مدل رفتار می‌کردن».

ب- وضعیت بعد از مهاجرت: حضور فراوان جوانان و نوجوانان در هیئت‌های بزرگ مهاجران به وضوح مشاهده می‌شود، اما در طی سال‌های حضور مهاجران افغانستانی در ایران می‌بینیم که حضور قشر جوان‌تر (نسل دوم و سوم) بیشتر و مؤثرتر شده است؛ به طوری که امروزه حتی رئیس بعضی از کانون‌های مداحی و هیئت‌ها نیز جوانان نسل سوم هستند. در واقع بیشتر مسئولیت‌های هیئت‌های جدید بر عهده جوانان است. آنان با سبک و فکر جدید خود هیئت‌ها را اداره می‌کنند.

ج- نسبت آن با جامعه میزبان: فرهنگ جامعه مدرن و رشد فضای مجازی و افزایش نسل جوان در بین جامعه مهاجران افغانستانی، ناخودآگاه باعث حضور فراوان و تأثیرگذار جوانان در هیئت‌ها شده است. امروزه جوانان گوی سبقت را از بزرگ‌ترها ربوده‌اند و با فراگیری فنون مختلف برای دستیابی به مسئولیت‌های متفاوت تلاش می‌کنند. علاوه بر این، وقتی بزرگ‌ترهای یک جامعه، که فضای سنتی افغانستان را درک کرده‌اند، به ایران مهاجرت نکرده یا در سال‌های اخیر از دنیا رفته‌اند، طبیعی است که جوانان حضوری پررنگ در هیئت‌ها داشته باشند.

۲. تغییرات بر اساس راهبرد جدایی (مقاومت)

۲.۱. تغییر در سبک برگزاری هیئت

۲.۱.۱. حضور در منزل علم‌بردار

الف- وضعیت قبل از مهاجرت: احترام به سادات و بزرگان در بین مهاجران افغانستانی بسیار پررنگ بوده و هست. بر اساس همین رسم قدیمی، یکی از مراسم روز ششم محرم که قبل از مراسم شب هفتم در افغانستان برگزار می‌شد و قبلاً توضیح داده شد، حضور در منزل علم‌بردار است. این مراسم با آدابی خاص در منزل یکی از بزرگان هیئت، که معمولاً سادات است، برگزار می‌شد.

یکی از مصاحبه‌شوندگان (آقای سید عبدالله حسینی) درباره این موضوع گفت:

«توی حسینه‌ها دیگه این بالا آمدن سر علم و پایین آوردن سر علم متداول نیست، ولی توی خانه‌ها این مورد هست؛ با نذر می‌برن بالا، با نذر و سلام و صلوات هم میارن پایین. بعد دستمالش رو تبرکاً به سینه‌زن‌ها می‌دن؛ مخصوصاً که به پارچه سبز ارادت دارن».

ب- وضعیت بعد از مهاجرت: در مورد حضور در منزل علم‌بردار، مقاومت جدی بزرگان هیئت‌ها مشاهده می‌شود. مقاومت در برابر تغییرات سبب شده است بعضی از مجالس مانند مجلس مسجد زید شهید همچنان و هر ساله این مراسم را برگزار کنند. این مسجد یکی از قدیمی‌ترین مساجد مهاجران افغانستانی در منطقه گلشهر است. این مراسم در بعضی از هیئت‌های خانگی نیز همچنان برگزار می‌شود. نگارندگان در یکی از این مراسم شرکت کردند. همان طور که مهاجران در خاطراتشان از افغانستان گفته بودند، مراسم با مدح خاندان پیامبر اسلام (ص) و قرائت قرآن برگزار می‌شود. در حین برگزاری مراسم نذوراتی از جمله نخود، کشمش و شکلات، که معمولاً زنان آنها را آماده می‌کنند، توزیع می‌شود. در نهایت پس از بستن علم با پارچه‌های نو و اهدایی، علم در قسمتی از منزل آن بزرگ نصب می‌شود.

ج- نسبت آن با جامعه میزبان: در گذر زمان و با توجه به توضیحات مشارکت‌کنندگان تحقیق، تعداد زیادی از این بزرگان از دنیا رفته‌اند و جایگزینی ندارند. همچنین منزلی که بزرگان فوق بعد از حضور در ایران برای خود انتخاب کرده‌اند، نه ظرفیت برگزاری مراسم مذهبی را دارد و نه معمولاً برخلاف افغانستان در نزدیکی محل برگزاری مراسم است. این عوامل موجب کم‌رنگ شدن برگزاری مراسم حضور در منزل علم‌بردار شده است.

۲.۲. تغییر در سبک مداحی

۲.۲.۱. تغییر در نوع روضه‌خوانی

الف- وضعیت قبل از مهاجرت: در افغانستان معمولاً ملأ یا آخوندی که روی منبر می‌رفت، در پایان منبر روضه نیز می‌خواند و نوحه‌خوان هم نوحه می‌خواند. یعنی روضه‌خوان نثر و نوحه‌خوان نظم می‌خواند و نقشی با عنوان مداح امروزی وجود نداشت. سخنرانی به ترتیب از فرد جوان‌تر شروع می‌شد و قدیمی‌ترین فرد، که نقش استادی نیز داشت، مجلس را تمام می‌کرد و روضه می‌خواند. در واقع، روضه جزو وظایف سخنران بود و بنابراین سخنران اصلی، که خبره‌تر بوده است، روضه نهایی را می‌خواند.

یکی از مصاحبه‌شوندگان (حاج آقای حسینی) درباره این موضوع گفت:

«مداح قبلاً نداشتیم. خود منبری روضه می‌خواند. گاهی وقت‌ها روضه مفصلی می‌خواند و تمام بود دیگه. بلافاصله سینه‌زنی شروع می‌شد.»

ب- وضعیت بعد از مهاجرت: در ایران بیشتر هیئت‌های مهاجران افغانستانی به همین صورت عمل می‌کنند، اما در این تحقیق مشاهده شد که در بعضی از هیئت‌ها نوحه‌خوان نیز دقیقاً شبیه به مداحان ایران قبل از شروع نوحه‌خوانی، روضه‌خوانی می‌کند. البته این تغییر بسیار کم‌رنگ است و مهاجران سعی کرده‌اند با حفظ سنت قدیمی خود به این تغییر مقاومت نشان دهند. به طوری که در اغلب مجالس عزاداری، بلافاصله بعد از سخنرانی، نوحه‌خوانی و سینه‌زنی شروع می‌شود.

ج- نسبت آن با جامعه میزبان: این نوع عزاداری که نوحه‌خوان مداحی می‌کند و روضه می‌خواند، کاملاً برگرفته از هیئت‌های ایرانی است. در این مقوله تقریباً بیشتر هیئت‌های افغانستانی سبک سنتی خود را حفظ کرده‌اند؛ زیرا یکی از مهم‌ترین ارکان باقی‌مانده و وجه تمایز این هیئت‌ها با هیئت‌های ایرانی، همین سبک سنتی نوحه‌خوانی، سینه‌زنی و روضه‌خوانی است.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر که مطالعه‌ای مردم‌شناختی و جامعه‌شناختی است، با استفاده از رویکرد کیفی تلاش شد تغییرات رخ داده در مناسک عزاداری محرم افغانستانی‌های مقیم مشهد و نسبت این تغییرات با فرهنگ جامعه جدید بررسی شود. مهاجرت یکی از پدیده‌های مهم جامعه امروز است. به نظر دورکیم^۱ (۱۳۸۳) تشریفات مذهبی، مردم را گرد هم می‌آورد و پیوندهای مشترک

آنها را دوباره تصدیق و تأیید می‌کند؛ در نتیجه، همبستگی اجتماعی را تحکیم می‌بخشد. برگزاری مراسم مذهبی میراث اجتماعی گروه را ابقا و احیا می‌کند و ارزش‌های پایدار آن را به نسل‌های آینده انتقال می‌دهد؛ از این رو، بررسی تغییرات موضوعات اجتماعی از جمله مناسک دینی اهمیت دارد و توجه به این حوزه و پژوهش درباره آن، در علوم اجتماعی و انسانی رو به افزایش است و همان طور که در قسمت پیشینه پژوهش بیان شد (جدول ۲) مطالعاتی نیز درباره این موضوع انجام شده است.

اکثریت هزاره‌ها شیعه هستند و در قلب افغانستان و در احاطه پیروان مذهب تسنن زندگی می‌کنند. به نظر موسوی، گرویدن هزاره‌ها به مذهب شیعه در دوره مشخصی اتفاق نیفتاده و نمی‌توان گفت هزاره‌ها در زمان خاصی از تاریخ به این مذهب رو آورده‌اند (موسوی، ۱۳۷۹). از طرف دیگر کشور افغانستان، نیمی از جمعیت پناهندگان جهان را به خود اختصاص داده (Thomas, 1989) و کشور ایران به عنوان یکی از بزرگترین کشورهای میزبان پناهندگان در جهان (Goldenziel, 2010) پذیرای تعداد زیادی از آنها برای سال‌های متمادی بوده است. این مهاجران در سه مرحله بزرگ وارد ایران شدند که آخرین آن در چهار دهه اخیر به دلیل تغییر و تحولات خارجی در سطح وسیع انجام شد. تعداد زیادی از آنها در شهر مشهد و منطقه گلشهر ساکن شدند (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۲). همچنین مهاجران مرحله اول اکنون دیگر به عنوان مهاجر قلمداد نمی‌شوند.

مهاجرت تأثیر بسیاری بر زندگی جامعه مهاجر و میزبان می‌گذارد. جامعه مهاجر برای نزدیک شدن به محیط جدید دچار تأثیرپذیری فرهنگی می‌شود و البته سعی می‌کند برای حفظ هویت خود در جاهایی که توان دارد، مقاومت کند و سنت‌های قدیمی را محفوظ نگاه دارد. در واقع همان طور که مظاهری (۱۳۹۸) می‌گوید اقلیت‌ها برای نگهداری از هویت خود به تمایزهایی در مناسک دینی اقدام می‌کنند.

گاهی تغییراتی در برگزاری مراسم عزاداری در کشور مبدأ یعنی افغانستان رخ داده که این تغییرات تحت تأثیر عوامل گوناگونی از جمله فضای اقتصادی و فرهنگی ایران بوده است. مهاجران افغانستانی که برای برگزاری مناسک خود در ماه محرم فضا و موقعیت به دست آورده و از کشوری که محدودیت‌های فراوان در این زمینه دارد، مهاجرت کرده‌اند، فرصت را برای ساخت هویت جدید خود از این طریق و ادغام در جامعه میزبان فراهم می‌بینند. همچنین در بعضی از رسوم مقاومت آنها به تغییرات مشاهده می‌شود؛ جایی که آنها سعی می‌کنند با حفظ

رسوم قدیمی‌شان تفاوت خود را با جامعه میزبان نشان دهند و حس در معرض دید بودن خود را تقویت کنند.

در این پژوهش دو راهبرد اصلی در زمینه تغییرات مراسم عزاداری مهاجران افغانستانی در مشهد وجود داشته است: یکی راهبرد ادغام و یکپارچگی و دیگری راهبرد مقاومت در برابر این تغییر. به اعتقاد بری (۲۰۰۵) فرهنگ‌پذیری یک فرایند یادگیری است که فرد از آن طریق در یک زمینه اجتماعی-فرهنگی جدید زندگی خود را شروع می‌کند. در واقع، این فرایند فرهنگ‌پذیری از اجتماعی شدن اولیه، که در جامعه قبلی روی داده است، به وجود می‌آید. این فرایند هم برای تعداد زیادی از گروه‌ها مانند مهاجران و هم برای افراد طبقه مسلط، که با جامعهٔ بزرگ‌تر ارتباطات روزانه دارند، رخ می‌دهد. فرهنگ‌پذیری فرایندی مداوم و متقابل است و همه افرادی را در برمی‌گیرد که در یک جامعه متکثر فرهنگی زندگی می‌کنند (۲۰۰۵). به نقل از برومندزاده و نویخت، (۱۳۹۳).

ذیل راهبرد یکپارچگی، یکی از حوزه‌هایی که حضور آیین‌های محرم در آن بیشتر از هر چیز دیگر مشاهده می‌شود، حوزه نذر و نیازهای مردم است که غذاها، پارچه‌ها و سایر چیزهایی که به عنوان نذر برای رفع نیازها به کار برده می‌شوند، خاصیتی مقدس و نمادین پیدا می‌کنند. یکی از بیشترین نذری‌ها در ایام محرم و در بین مسلمانان و به طور ویژه شیعیان، غذا دادن به عزاداران است. در مناسک ماه محرم تقریباً همه افراد به نوعی با غذا در ارتباط هستند؛ یعنی افراد یا غذا می‌خورند یا غذا می‌دهند. در طی سال‌های حضور مهاجران افغانستانی در ایران تقریباً نوع غذای نذری که برای پذیرایی در مجالس طبخ می‌شود، به طور کامل تغییر کرده است. بر اساس شواهد می‌توان استدلال کرد که مسائل اقتصادی بیشترین تأثیر را بر انواع نذری‌های مهاجران داشته است. همچنین فرهنگ جامعه جدید که ذائقه‌ای متفاوت با جامعه مبدأ دارد، بر انواع نذری‌های مهاجران تأثیر گذاشته است.

استفاده از وسایل مختلف برای عزاداری نیز در طول تاریخ عزاداری تغییر کرده است. زنجیر یکی از مهم‌ترین وسایل است که انواع مختلف بی‌تیغ و تیغ‌دار دارد. زنجیر تیغ‌دار نیز چندین نوع است: بادامی، شاهپردار و غیره. استفاده از انواع زنجیر در طول تاریخ عزاداری افغانستانی‌ها تغییر کرده است. پس از ورود مهاجران افغانستانی به ایران، استفاده از زنجیر تیغ‌دار همچنان شبیه به جامعه مبدأ بوده است تا اینکه محدودیت‌های قانونی ایجادشده در سال‌های بعد از انقلاب و جو غالب فرهنگی مخالف این گونه عزاداری باعث شده است عزاداری با زنجیر

تیغ‌دار به صورت بسیار محدود و مخفیانه انجام شود. شایان ذکر است که یکی از دلایل مهم دیگر این تغییر رفتار، فتوای بعضی از مراجع تقلید مبنی بر حرام بودن این گونه عزاداری است. یکی از عمده‌ترین تغییرات عناصر مادی، تغییر لباس مخصوص عزاداری مهاجران افغانستانی است؛ به طوری که با توجه به جدا بودن مکان عزاداری زنان از مردان در اغلب تکاپای افغانستان و نیز با توجه به نبود وسایل فیلم‌برداری همچون موبایل، معمولاً مردان در عزاداری‌ها برهنه می‌شدند. آنها در بعضی مجالس از لباس خاصی استفاده می‌کردند که جلوی آن برای سینه زنی باز بوده و پشت آن قسمتی برای زنجیرزنی داشته است، اما بعد از حضور مهاجران افغانستانی در ایران، با توجه به نظر بعضی از مراجع تقلید و آداب و سنن ایرانی، به ندرت می‌توان هیئت‌هایی را دید که اعضای آن در مراسم ماه محرم برهنه شوند. همچنین بیشتر لباس‌ها شبیه به پیراهن‌های مشکی مرسوم در ایران شده است.

استفاده از سنت منقبت‌خوانی نیز در طی این سال‌ها با توجه به فوت بیشتر استادان این هنر تقریباً بسیار کاهش یافته است؛ به صورتی که به ندرت در مجالس عزاداری محرم می‌توان مراسم منقبت‌خوانی را مشاهده کرد.

همچنین در آغاز ورود مهاجران افغانستانی به ایران، صحنه حضور احزاب در افغانستان بسیار پررنگ بوده و این امر تأثیر بسیاری بر سیاسی بودن هیئت‌های داخل ایران گذاشته بود، اما با توجه به تجارب تلخ مهاجران از احزاب و رفتار سیاسی آنها، تقریباً امروزه رنگ و بویی از فعالیت احزاب سیاسی در هیئت‌ها وجود ندارد.

اگر از نگاه مقاومتی به تغییرات روی داده در مراسم عزاداری ماه محرم مهاجران افغانستانی بنگریم، می‌توانیم از موضوع مداحی سخن بگوییم. بی‌تردید مداحی را باید ستون عزاداری و عامل اصلی برگزاری هر مجلس عزا دانست. بر اساس گفته بعضی از نوحه‌خوانان مهاجر، گاهی تغییر لهجه و نیز تغییر در مدل سنتی نوحه‌خوانی را در بین نوحه‌خوانان می‌بینیم، اما مشاهدات نشان می‌دهد که تعدادی از هیئت‌ها و نوحه‌خوانان جوان راهبرد جدایی را (همان) در پیش می‌گیرند و ترجیح می‌دهند با مقاومت به تغییر در مراسم نوحه‌خوانی، سبک سنتی نوحه‌خوانی را یاد بگیرند و آن را حفظ و هویت متمایز خود را بازسازی کنند.

در جمع‌بندی مطالب باید گفت که با توجه به محدودیت‌های موجود در این تحقیق و روش مورد استفاده، فقط گوشه‌ای از تغییرات به وجود آمده و عوامل مؤثر بر آن بررسی شد. بدیهی

است با استفاده از روش‌های دیگر و گسترش دامنه پژوهش می‌توان نتایج جدید و درخور توجهی را به دست آورد. با نگاه به نتایج پژوهش حاضر می‌توان گفت حتی با تغییراتی که در مناسک عزاداری مهاجران افغانستانی رخ داده، این حوزه فرهنگی توانسته است و می‌تواند کمک شایانی به حفظ اصالت و هویت اجتماعی آنها کند. امید است تحقیقات آینده بتواند نگاه ما را به حوزه مناسک عزاداری مهاجران افغانستانی گسترده‌تر و پربارتر کند.

منابع

- اخلاقی. آمنه. یوسفی. علی و صدیق اورعی. غلامرضا (۱۳۹۵). سردی عاطفه؛ احساسات مهاجر درباره جامعه میزبان با تکیه بر روایت‌های مهاجران افغان ساکن مشهد. مسائل اجتماعی ایران. (۱۷). ۵-۲۹.
- برومندزاده. محمدرضا و نوبخت. رضا (۱۳۹۳). مروری بر نظریات جدید حوزه مهاجرت. فصلنامه جمعیت. (۸۹ و ۹۰). ۷۳-۹۰.
- بهار. مهری و کاهیرده. نسیم (۱۳۸۸). تحول نقش واعظ و مداح در اجرای مناسک عاشورا (مطالعه موری شهر دزفول). مطالعات فرهنگی و ارتباطات. ۵ (۱۶). ۱-۲۴.
- پاپلی یزدی. محمد حسین (۱۳۶۸). اثرات سیاسی حضور پناهندگان افغانی در خراسان. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. (۱۵). ۵-۳۷.
- جمشیدپها. غلامرضا و علیرضا قبادی. (۱۳۸۶). تحلیل جامعه‌شناختی از مراسم و مناسک دینی با تأکید بر مراسم عاشورا. فصلنامه تاریخ اسلام. ۸ (۲). ۳۷-۶۰.
- جمشیدپها. غلامرضا و علی‌بابائی. موسی (۱۳۸۱). بررسی عوامل مؤثر بر بازگشت مهاجرین افغانستانی با تکیه بر ساکنین شهرک گلشهر مشهد. نامه علوم اجتماعی. (۲۰). ۷۱-۹۰.
- جمشیدپها. غلامرضا و عنبری. موسی (۱۳۸۳). تعلقات اجتماعی و اثرات آن بر بازگشت یا عدم بازگشت مهاجرین افغانستانی. نامه علوم اجتماعی. ۳ (۲۳). ۴۳-۶۸.
- جوادی. قاسم و موسوی. سید محمد جمال (۱۳۹۳). مراسم عاشورا در کابل. فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه‌شناسی. ۱۲ (۴۵). ۱۰۸-۱۳۰.
- خانی، محمد حسین و یکه‌فلاح. محمد (۱۳۹۲). اثربخشی حضور در مراسم دهه اول محرم بر سطح دین‌داری عزاداران. روان‌شناسی دین. (۴)۷. ۴۱-۵۴.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۳). صور بنیانی حیات دینی. ترجمه باقر پرهام. تهران: مرکز.
- رحمانی. جبار (۱۳۸۷). سه مقدمه درباره انسان‌شناسی دین. کتاب ماه علوم اجتماعی. (۶). ۶۰-۶۴.
- رحیمی. محمد عیسی (۱۳۹۶). بررسی پیامدهای فرهنگی مهاجرت بر قوم هزاره (با تأکید بر ایران). (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد). مشهد: جامعه المصطفی العالمیه.
- زاهدی. محمد جواد. انصاری. ابراهیم. ملکی. امیر. و حمیدیان. اکرم (۱۳۹۴). سنجش و تبیین طرد اجتماعی مهاجرین خارجی در کلان‌شهر اصفهان. مطالعات جامعه‌شناختی شهری. (۱۷)۵. ۵۷-۸۸.

- زرقانی. سید هادی. غلامی. یونس. قنبری. محمد. قیاسی. محمد حسین و حسینی. سید مصطفی (۱۳۹۵).
تحلیلی بر توزیع فضایی مهاجران افغانستانی استان خراسان رضوی طی سال‌های ۹۲-۱۳۸۲
(طرح آمایش ۵ تا ۹). نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری. ۷(۲۷). ۱۴۶-۱۲۷.
- سجادپور. فرزانه و جمالی سوسفی. ابراهیم (۱۳۹۵). زنان مهاجر و چالش بازگشت به وطن (مطالعه
موردی: زنان مهاجر افغان ساکن مشهد). پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران. ۶(۲). ۱۵۱-۱۳۱.
- سنقری. ناهید فکرازاد. حسین و معصومه. معارف‌وند (۱۳۹۳). موانع ادغام اجتماعی نوجوانان
افغانستانی در جامعه ایرانی (مطالعه موردی شهر تهران). پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر. ۳(۵).
۱۲۴-۱۰۱.
- صادقی. رسول (۱۳۹۰). سازگاری اجتماعی- جمعیتی نسل دوم افغان‌ها در ایران. کتاب ماه علوم
اجتماعی. ۴۲(۱۰۳-۱۰۱).
- عبدلی، حسین (۱۳۹۱). شیعیان افغانستان. تهران: مضراب.
- فیاض. ابراهیم و رحمانی. جبار (۱۳۸۵). مناسک عزاداری و گفتمان کربلا در دین‌ورزی شهری اқشار
فرو دست. مطالعات فرهنگی و ارتباطات. ۲(۶). ۸۰-۵۷.
- (۱۳۸۶). مناسک عزاداری و وجدان جمعی در تشیع ایرانی. نامهٔ
صادق. ۱۴(۲). ۱۱۹-۱۰۱.
- قاسمی. خادم‌علی (۱۳۹۵). مناسبات فرهنگ دینی قوم هزاره با پیشرفت اسلامی. (پایان‌نامهٔ
کارشناسی‌ارشد). مشهد: جامعه المصطفی العالمیه.
- قبادی. علی‌رضا و علیپور. پروین (۱۳۹۱). تحلیل کارکردی مراسم و مناسک دینی. اسلام و علوم
اجتماعی. ۴(۸). ۹۲-۷۴.
- کاظمی‌پور. عبدالمحمد (۱۳۹۶). در تنگنای بیم و امید: پژوهشی دربارهٔ زندگی مهاجران مسلمان در
کانادا. ترجمه بهرنگ صدیقی. تهران: نی.
- کریمی موغاری. زهرا (۱۳۸۲). تأثیر مهاجرین افغانستانی بر سطح دستمزد و اشتغال در ایران. فصلنامه
پژوهش‌های اقتصادی ایران. ۱۸(۱). ۸۸-۵۷.
- محمدی. غلامرضا (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی فرهنگی و اجتماعی کارگران مهاجر افغانستان (مطالعهٔ
موردی کارگران شهرک صنعتی محمود آباد اصفهان). (پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد). مشهد: جامعه
المصطفی العالمیه.
- محمدپور. احمد (۱۳۹۷). ضد روش، زمینه‌های فلسفی و رویه‌های علمی در روش‌شناسی کیفی. قم:
لوگوس.

- محمدپور. احمد. و شاه‌زاده. رامین (۱۳۹۰). مطالعه مردم‌شناختی مراسم عاشورا در شهر اردبیل. مطالعات اجتماعی ایران. ۵(۳). ۱۴۶-۱۲۶.
- محمودیان. حسین (۱۳۸۶). مهاجرت افغان‌ها به ایران: تغییر در ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی و انطباق با جامعه مقصد. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران. ۲(۴). ۶۹-۴۲.
- مظاهری. محسن حسام (۱۳۹۰). رسانه شیعه. تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- (۱۳۹۸). در خدمت و خیانت به مناسک. بازایی از <https://t.me/mohsenhesammazaheri>
- منتظرالقائم. اصغر و کشاورز. زهراسادات (۱۳۹۶). بررسی تغییرات اجتماعی مراسم و مناسک عزاداری عاشورا در ایران. شیعه‌شناسی. (۵۸). ۷۲-۳۷.
- مؤسسه فرهنگی شیعه‌شناسی (۱۳۸۴). سنت عزاداری و منقبت‌خوانی در تاریخ شیعه امامیه. تهران: مؤسسه شیعه‌شناسی.
- موسوی. سید مهدی (۱۳۹۱). دلایل عدم اظهار هویت افغانستانی (نمونه موردی: نسل دوم مهاجران افغانستانی در مشهد). (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- موسوی. سید عسکر (۱۳۷۹). هزاره‌های افغانستان. ترجمه اسدا... شفائی. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری نقش سیمرغ.
- میرزائی. حسین (۱۳۹۵). راهبردهای فرهنگ‌پذیری و بهداشت روانی مهاجرین افغانستانی در شهرک قائم قم. پژوهشنامه مددکاری اجتماعی. ۲(۷). ۲۴۲-۱۹۱.
- نجف‌زاده. علی (۱۳۹۲). گروه‌های مهاجر به مشهد از صفویه تاکنون. مشهد: مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی.
- نوغانی. محسن و اخلاقی. آمنه (۱۳۹۳). تحلیل کیفی روند اعتماد اجتماعی نخبگان مهاجر افغانستانی مشهد. فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی. ۳(۲). ۸۱-۵۰.
- نیکخواه قمصری. نرگس و دستوری. مژگان (۱۳۹۱). بازنمود تحولات فرهنگی در مناسک عزاداری زنانه. مطالعات فرهنگی و ارتباطات. ۸(۲۶). ۲۴۷-۲۲۹.
- هروی ریاضی. محمد یوسف (۱۳۶۹). عین الوقایع-تاریخ افغانستان. محمد آصف فکرت. تهران: بنیاد موقوفات دکتر افشار
- همیلتون. ملکم (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی دین. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: ثالث.

یحیی. سبحان. و کیا. سیده مرضیه (۱۳۸۸). مطالعه انگاره‌های هویت فرهنگی و هویت ملی ملت‌های ایران و افغانستان؛ با تأکید بر نگره‌های مهاجران افغانستانی به ایرانیان. فصلنامهٔ مطالعات ملی. (۱)۱۰. ۱۳۵-۱۵۶.

یوسفی. علی. موسوی. سید مهدی. حسینی. آمنه‌سادات (۱۳۹۲). شبکه اجتماعی مهاجران افغان در مشهد (مورد پژوهش: مهاجران ساکن شهرک گلشهر). مسائل اجتماعی ایران. (۱)۴. ۲۹۳-۲۱۳.

Abbasi-Shavazi. M. J. & Glazebrook. D. (2006). **Continued Protection, Sustainable Reintegration: Afghan Refugees and Migrants in Iran**. Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit (AREU). <https://www.refworld.org/docid/47c3f3c51a.html> [accessed 10 October 2020]

Abbasi-Shavazi. M. J. & Sadeghi. R. (2015). **Socio-Cultural Adaptation of Second-Generation Afghans in Iran**. International Migration (IOM). 53(6). 89-110.

Adelkhah. F. & Olszewska. Z. (2007). **The Iranian Afghans**. Iranian Studies. 40(2). 137-165.

Bahar, M. & Ahmadi. Y. (2012). **Acculturation and Afghan Refugees' Leisure Pattern**. Culture and Society in the Middle East. (2). 67-82.

Berg, B. (2006). **Qualitative Research Methods for the Social Sciences**. New York: Allyn and Becon.

Goldenziel. Jill (2010). **Refugees and International Security**. In Laipson. Ellen & Pandya. Amit (Eds.). *On the Move Migration Challenges in the Indian Ocean Littoral* (29-42). Washington. DC: The Henry L. Stimson Center.

Glaser B. & Strauss. A. L. (1967). **The Discovery of Grounded Theory**. Chicago: Adline.

Glazebrook. D. & Abbasi-Shavazi. M. J. (2007). **Being Neighbors to Imam Reza: Pilgrimage Practices and Return Intentions of Hazara Afghans Living in Mashhad, Iran**. Iranian Studies. 40(2). 187-201.

Monsutti. A. (2007). **Migration as a Rite of Passage: Young Afghans Building Masculinity and Adulthood in Iran**. Iranian Studies. 40(2). 167-185.

Olszewska. Z. (2007). **A Desolate Voice: Poetry and Identity among Young Afghan Refugees in Iran**. Iranian Studies. 40(2). 204-224.

Putnam. R. D. & Campbell. D. E. (2010). **American Grace: How Religion Divides and Unites Us**. New York: Simon and Schuster.

Rostami-Povey. E. (2007). **Afghan Refugees in Iran, Pakistan, the U.K. and the U.S. and Life after Return: A Comparative Gender Analysis**. Iranian Studies. 40(2). 241-261.

Silverman. D. (2005). **Doing Qualitative Research**. London: Sage Publications Inc.

Theodorson. G. A. & Theodorson. A. G. (1969). **A Modern Dictionary of Sociology**. New York: Crowell Company.

Thomas. J. (1989). **The Canadian Response to Afghanistan, Canada's Periodical on Refugees**. REFUGE. Special Issue Afghan Refugees. 9: 1 (4-7).